

نوشته : دکتر رضا مظلومان

## سینما و اثرش بر رفتارهای ضد اجتماعی

سینمایکی از بزرگترین نشانه‌های تمدن است که از دیرزمان اثرات نیک و بدش موضوع بحث و گفتگوی مختلف علمی بوده و نظریات فراوانی در اطرافش ابراز شده است . این پدیده که مانند مطبوعات دارای قدرت نفوذ خارق‌العاده‌ای است ، از نقطه نظر جنبه‌های زیان‌آورش شدیداً مورد حمله قرار گرفته و بعنوان یکی از عوامل توانای آفریننده جرم بشمار آمده است .

### فرق سینما با مطبوعات

در زمان حال، همانطور که در گذشته نیز چنین اعتقادی وجود داشت ، هیچکس نمی‌تواند منکر قدرت تأثیر سینما باشد<sup>۱</sup>. نفوذ این پدیده که بر جوانان چشمگیرتر است کمتر مورد شک و تردید قرار گرفته است<sup>۲</sup>.

این پدیده که وسیله انتقال عواطف و احساسات ، پیوند دهنده افکار و هنجارها ، گسترش دهنده حس کنج‌کاو و پرورش دهنده امیال و خواسته‌های نهفته است با نیرومندی و توانایی کامل برویاها ، خیالات ، آرمانها ، تصورات تماشاگران روح می‌دهد و با نمایش صحنه‌های مختلف ، هر لحظه آنها را بزرگ و بزرگتر جلوه گر می‌سازد و تماشاگر را وادار میکند تا با

---

1 - Société des Nations, «Le cinéma récréatif et la jeunesse» . p 5

2 - Glucksmann (A) "Rapport sur les recherches concernant les effets sur la jeunesse des scenes de violence au cinéma et à la television " p 82

دقت هر چه بیشتر آنچه را که از زیر نظرش می گذرد در خاطر خود ثبت نماید .  
کایلو Caillois مینویسد:

- اگر بقدرت خارق العاده برخی تصویرهای خون آلوده بیندیشید ، خواهید دید که هیچ چیز مانند پرده سینما قادر بر عرضه کردن آن چنان صحنه های وحشتناک خشونت و تجاوز و وحشیگری نیست . اگر بهترین قطعات و مشهورترین آنها در نظر گرفته و انتخاب شود ، جز تصویرهای قتل و آدمکشی نخواهد بود . برخی از عالی ترین موضوعات سینمایی را داستانهای جنایات گوناگون هولناک تشکیل میدهد<sup>۳</sup> .

در شماره قبل بقدرت و اثر مطبوعات بطور مفصل اشاره شد . در اینجا لازم است گفته شود که اثر سینما بر مراتب بیشتر و نفوذ کننده تر از مطبوعات می باشد . تماشاگری که در تاریکی عمیق سالن فرو رفته ، بدون اراده و مقاومت بطرف پرده سینما کشیده و جلب میشود و کلیه هوش و حواسش روی موضوع و نمایش صحنه های مختلف آن متمرکز می گردد .

پرده سینما روی ذهن و روان او با تمام قدرت ، تسلط واقعی خود را بسط و گسترش می دهد و آنچنان او را در حیطه تصرف و حوزه توانائی خود می گیرد که تماشاگر بسختی ممکن است بتواند خود را از این اسارت بیرون بکشد .

فرق بزرگی که بین این دو پدیده وجود دارد در آن است که خواننده پس از مطالعه کتاب یا در حین آن ناگزیر است صحنه های رادر نظر مجسم سازد و در افکار و خیالات خود آنها را بنا نماید ، در حالیکه در سینما آنچه را که با مطالعه مجبور بتجسم است بسادگی می بیند .

تورل F T . Torel مینویسد که سینما نمایش دهنده اعمال ، رفتار ، کردار و حالاتی است که تماشاگر را وادار بتقلید می کند در حالیکه مطبوعات فقط توضیح میدهد و قادر نیست که از این قلمرو پائی فراتر نهد . خاطرهای که نمایش يك فیلم در ذهن باقی میگذارد بدرجات عمیقتر از توصیفی است که مطبوعات انجام میدهد . نزدیکی تصویر بحقیقت همیشه خیلی بیشتر و کاملتر از نوشته هاست .

تصویر برای افراد آماده و کسانی که گرایشهای نهانی برای دست زدن به تقلید دارند و ساختمان اخلاقیشان واجد قدرت کافی نیست ، می تواند يك نمونه و يك سرمشق قرار بگیرد<sup>۴</sup> .

هامپ M . Hamp نیز مانند تورل معتقد است که يك تماشاگر بوسیله فیلم خیلی بیشتر از توصیفات نوشته ها تحت تاثیر واقع میشود<sup>۵</sup> .

3 - Caillois " Le cinéma, le meurtre et la tragedie " p 86

4 - Junsosza-Zdrojenwski «le crime et la presse» . p 240

5 - Ganiazre „Du danger cinématographique au point de vue de la demoralisation ” . p 18

نظریاتی که محققان در قوق ابراز داشته‌اند در حقیقت توسط روزنامه نویسان خود باثبات رسیده است زیرا آنها هم برای جلب توجه بیشتر خوانندگان و مؤثر کردن بیشتر داستانها متوسل به عکسهای گوناگون میشوند و داستانهای خود را همیشه با عکسهای مختلف همراه می‌کنند. این مسئله حتی مورد توجه کلیه مربیان تعلیم و تربیت نیز می‌باشد زیرا معتقدند که برای آسان کردن مطالعه و یادگیری بهتر و کاملتر لازم است که هر موضوعی با عکسهای مناسب و ضروری توأم باشد. بهمین جهت امروزه کلیه کتب درسی هم با عکسهای مختلف همراه می‌باشد.

این توجه خاص بعکس نشان میدهد که تصویر خیلی سریعتر از نوشته اثر میبخشد. بنابراین سینما که سرشار از تصویرات گوناگون است تلقینش بمراتب بیشتر از مطبوعات است.

### سینما پدیده مفیدی است

عده‌ای از جرم شناسان و محققان معتقدند که سینما نه تنها اثر زیان بخشی ندارد و کودکان و جوانان را فاسد و گمراه نمیکند بلکه بعکس دارای جنبه‌های بسیار سودمند و آموزنده است و از بهترین پدیده‌های مفیدی بشمار می‌آید که عالی‌ترین راهنمائیها و ارزنده‌ترین ارشادات را بوجهی صحیح و بایسته انجام میدهد.

مرژن Mergen ۶ از جمله کسانی است که شدیداً از این امر طرفداری می‌کند و معتقد است که فیلم دارای همان خصوصیات است که رؤیایها و احلام دارند. فیلم دو شخصیت کاملاً متفاوت ایجاد مینماید. از یک طرف تماشاگر در حالیکه در نقش قهرمانان فرو میشود و خود را در صحنه‌های مختلف فیلم احساس میکند، تا حدودی خواسته‌هایش را ارضاء می‌کند و در نهادش تسکین بوجود می‌آورد.

از طرف دیگر، تماشاگر در خود فرو میرود و در ضمیرش آنچه را که دیده است تکرار میکند. این حالت در واقع از هر جهت شبیه بآن چیزهایی است که در خواب می‌بیند.

نتایج سودمند و سلامت بخشی که این تغییر قالب و همانندی دارد بوجود آوردن ترضیه خاطر نزد تماشاگران برای آن مدتی است کم‌کم و بیش طولانی نیز میباشد. مرژن این تغییر قالب را مانع بزرگی در پدید آمدن گرایشهای زیان‌آور مانند حالت تعرض و پر خاشگری در زندگانی واقع میدانند زیرا در حقیقت آنرا در چپه اطمینانی قیمتی و سالم بشمار می‌آورد که فرد را از آلوده شدن باعمال ضد اجتماعی مانع میشود. ضمناً این همانندی، خواسته‌ها و آرزوها را نیز تا حدود زیادی برآورده و ارضاء می‌کند. امیال پنهانی و ناخود آگاه صورت تحقق بخود می‌گیرد و در نتیجه احساس سالمی بوجود می‌آورد که راحتی، تسکین و تمدد اعصاب را بهمراه دارد.

بر حسب مرژن فیلمهای تند و خشن و پراز زد و خورد مانند فیلمهای وسترن به هیچ وجه تأثیر بد و مضر ندارد بلکه بعکس بخاطر وابستگی موضوعشان باعمال ابتدائی و روش انسانهای اولیه ، پدید آورنده حالات سودمند بسیار می باشد .  
اینگونه فیلمها با اثر بخشیدن بروان تماشاگران آرامش بزرگی در نهاد آنان ایجاد می کند .

طرفداران سودمند بودن سینما معتقدند که احساس مروت و دادگری و پیروزی، یا به وسیله قهرمان نیرومند و موردعلاقه‌ای ارضاء می شود که باصداها وسیله باهفت تیر و بامشتهای آهنین روی بدیها، نابکاریها و زشتیها می کوبد ، باپستیها و پلیدیها مبارزه می کند ، تبهکاریها را از بین می برد و باظلمها و بیدادگریها پیکار می نماید ، یا بوسیله فردی ترضیه می شود که در قالب انسان بدجنسی فرو رفته است و بر خلاف قوانین و موازین اجتماعی و اخلاق گام بر میدارد و دست بزشتکاری و پلیدی میزند و از بدی کردن و اجحاف و ستمگری خودداری نمی ورزد، ولی بالاخره بوسیله عامل خوبی بمجازات می رسد و موردشکرتجه و عقوبت قرار میگیرد و پاداش اعمال ناپسند خود را دریافت میکند .

انتقادی که بطرفداران چنین عقیده‌ای وارد است فراموشی این اصل مهم می باشد که مشاهده اعمال پر خاشک‌گرانه و تجاوزات و قتلهای مختلف ممکن است آن چنان بر ذهن و روان برخی بینندگان اثر نماید که بنتایج و عواقب بسیار ناگواری خاتمه بیاید ، بطوریکه اگر مقتضیاتی ایجاب کند و شرایطی فراهم گردد ، این افراد یکسره پهای میز قاضی کشانده شوند .

سینما محققاً بعلمت قابلیت کامل و قدرت فراوانی که در تبیین مفاهیم و تلقین‌های گوناگون دارد بخوبی قادرست تا ظرفیت خلق و ابداع اندیشه‌های فرهنگی ، علمی ، اجتماعی ، اقتصادی را در افراد و در هر جامعه‌ای تقویت کند و گسترش دهد و بر توسعه ارزشهای اخلاقی بیفزاید و ضعف روابط اجتماعی را از میان ببرد و مناسبات موجود میان افراد را با رشته‌هایی محکم مبتنی بر تفاهم کامل استوار سازد ، بصفات عالی و سجایای اخلاقی روح توسعه دهد، استعداد افرادی را که از خلق ناچیزترین پدیده‌ها عاجزند بخوبی در جهت صحیح و بایسته تقویت کند و آنچنان پیروانند که افراد خود مبدع و آفریننده شوند و بخلق و ابداع پردازند .

با توجه بآنکه سینما دارای محاسن بسیاری است ولی هیچگاه صحیح نیست که مانند برخی از محققان راه افراط در پیش گرفته شود و جز از جنبه‌های مفید سینما گفتگوی دیگری به میان نیاید . در حالیکه باید دانست که شمارش تمام محاسنی که در این پدیده یافت میشود نباید این توهم را ایجاد نماید که سینما از جنبه‌های بدآموز خالی است و اثرات جرم زا ندارد .

عده‌ای از محققان بطور اغراق آمیز راه افراط پیموده و همانطور که ذکر شد خواسته‌اند حتی بفیلمهای گمراه کننده هم جنبه سودبخش و آموزنده بدهند و ویدئوسیله عقیده کلیه جرم

شناسان دادمورد زیانبخش بودن اینگونه فیلمها یا برخی صحنه‌های برخی فیلمها رد نمایند. اینگونه اظهارنظرها نوعی داوریهایی يك جانبه است که فاقد ارزش علمی می باشد.

### سینما پدیدده زیان بخشی است

پیناتل Pinatel مینویسد، اگرچه ذکر این نکته ممکن است عجیب و مخالف رأی دیگران باشد ولی حقیقتی انکارناپذیر است که اولین بار توسط مطبوعات بنقش شومی که سینما ایفا می کند. اشاره شد.<sup>۷</sup>

در ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹، شیکاگو تریبون Chicago Tribun داغ تبهایی و فساد برچهره ۱۵۰ سینمایی که در شهر وجود داشت زدو آنها را انحراف آفرین و تبهایی انگیز قلمداد کرد. در سال ۱۹۱۲ مقاله‌ای از ترامون Tèramont در مطبوعات فرانسه درج شد که سینما را عامل کجروی و فساد اخلاق بشمار آورد. در همین سال در انگلستان نیز مطبوعات، حملات خود را علیه سینما شروع کردند.<sup>۸</sup>

کمی بعد شارل کولار Charls Collard در مجله حقوق جزا و جرم شناسی با اثرات زیان بخش سینما بر روی کودکان اشاره کرد و دلایل خود را بطریق ذیل ارائه داد<sup>۹</sup>:

- ۱- سینما بکودک فکر و اندیشه جنایت القا میکند.
  - ۲- سینما با تحریکات و تلقینات فراوان، قوه را بفعل می آورد.
  - ۳- سینما سطح اخلاق نسلهای جدید را کاهش می دهد.
- بلومر Blumer و هوسر Hauser در آمریکا، نقشی را که سینما در زندگی جوانان و روی بزهکاران ایفا می کند مورد مطالعه قرار دادند و باین نتیجه رسیدند که سینما بدو صورت مستقیم و غیر مستقیم بر روی جوانان اثر می بخشد.<sup>۱۰</sup>
- در این تحقیق که بروش پرسشنامه‌ای روی دختران و پسران جوان بزهکار و ناسازگار انجام گرفته بود سؤال شده بود که آیا برخی فیلمها باعث شده است که گرایش ارتکاب اعمال ضد اجتماعی در آنها حاصل شود یا نه ؟
- نتیجه‌ای که بدست آمد عبارت بود از آنکه:<sup>۱۱</sup>

---

7- Bouzat et pinatel. «Traité de droit pénal et de crimi -

nologie» P. 140

8- Ibid. p 140

9- Ibid pp 140 et s

10- Léauté, «Criminologie et science pénitentiaire», p 322

11- Ibid. p 323

۰۱۰/۰۱۰ از ۳۶۸ پسر جوان بزهکار و ۰۴۹/۰۱۰ از ۱۱۰ کودک ناسازگار که در مرکز اصلاح و تربیت بودند ، اظهار داشتند که تحت تأثیر فیلمها مرتکب اعمال خلاف شده‌اند و ۰۳۳/۰۱۰ از ۲۵۲ دختر جوان مدعی بودند که تحت تأثیر فیلمها مبادرت بفرار کرده‌اند.

دو محقق فوق می‌افزایند که اثر غیر مستقیم سینما بمراتب زیان بخش‌تر و گسترده‌تر از اثر مستقیم می‌باشد زیرا سینما تحریکات بسیاری در نهاد بینندگان ایجاد می‌کند و اندیشه‌های ارتکاب جرم را در وجودشان می‌پروراند، نهایت جرم بزودی بوقوع نمی‌پیوندد بلکه برخی از این اندیشه‌ها بتدریج از بین میرود ولی برخی دیگر در ذهن باقی می‌ماند تا شرایط مساعد ظهور آنها فراهم گردد. ۱۲

فیلم در واقع باید طوری ساخته شود که نه تنها مخالف مصالح اجتماعی و اخلاقی نباشد و افراد را بداندیش و بد نهاد پرورش ندهد بلکه بعکس آموزنده صفات عالی انسانی و خصائص نیکو و رفتارهای پسندیده و بایسته باشد تا تماشاگران بتوانند با برداشتهای خوب بسخود و اجتماع و افراد سودبرسانند.

فیلم اگر فاقد جنبه‌های منفی و تخریبی باشد محققاً پدیده بسیار مفیدی است ولی متأسفانه امروز از راه درست و صحیح بکلی منحرف شده است و در جهت خلاف مصالح اجتماعی و اخلاقی گام برمیدارد بطوریکه نگرانی شدید اخلاق دانان، روانشناسان ، جرم شناسان را فراهم نموده است.

بدیهی است نکات مورد انتقاد، مربوط بقسمتهای مضروقطه های بدآموز می‌باشد که اثرات جرم‌زا دارد و گرنه نمیتوان يك جنبه قضاوت کرد و کلیه فیلمها را زیانبخش قلمداد نمود و نظر داد که از تمام جنبه‌های مثبت عاری است و جز زیان و لطمه نتیجه‌ای ندارد.

گرچه برخی از نویسندگان و محققان مانند پواسون J. poisson و موریاک F. Mauriac برعکس نظریه مرژن که شدیداً طرفدار بود بطور کلی مخالف سینما می‌باشند و معتقدند که این پدیده نه تنها فاقد هرگونه جنبه مثبت و ثمر بخشی است بلکه از خطرناکترین عوامل فساد و تباهی بشمار می‌آید .

برحسب موریاک حتی بهترین فیلمها خطرناک است زیرا واقعیات را مسخ می‌کند و داستانهای ساختگی را در قالب حقیقت می‌ریزد و بتماشاگران يك افسانه دروغین را موضوعی واقعی جلوه میدهد و با ساختن يك دورنمای نادرست باغفال آنان می‌پردازد و آنها را از راه راست منحرف می‌سازد. ۱۳

ژاک پواسون معتقد است که سینما چهره خیالی ضعیف ، قوی ، نزدیک ، دور ، کوچک ، بزرگ ، دگرگون شده ، بدشکل ، آزاردهنده يك دنیای پنهانی است که در آنجا جنایات و قهرمانی‌هایی خفته‌اند که ماهرگز آنها را انجام نمیدهیم .

در همین دنیای پنهانی است که ناامیدی‌ها و یأس‌ها بکلی غرق و نابود می‌شوند و غیر

12- Ibid. pp 323-324

13- Laumet (y), «La censure cinématographique». P341

اخلاقی ترین و دیوانه‌ترین خواسته‌ها و امیالمان جوانه می‌کند<sup>۱۴</sup>.  
جرم شناسان معتقدند که جز برخی قسمتهای بسیار استثنائی که حتی قابل ذکر نیست،  
سینماییکی از عوامل انحرافات اخلاقی است.

آنان پارا فراتر می‌گذارند و فیلمهایی که پایانی سازنده و اخلاقی نیز دارد شوم بشمار  
می‌آورند زیرا بنظر آنان قبل از آنکه فیلم پایانی مطلوب منتهی شود و چند متر قتیاج اخلاقی  
را بیان دارد کیلومتر هادزدان زبردستی را که بسرقتهای مسلحانه دست زده و قاتلین بسیاری  
را که به آدم‌کشی‌های وحشتناک پرداخته‌اند، بنمایش درآورده است.<sup>۱۵</sup>

همانطور که اشاره شد قدرت سینما بحدی روشن و مشخص می‌باشد که جای هیچگونه  
شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند زیرا تأثیرش بر احساسات، عواطف و روان تماشاگران واقعیتی  
است که همگان آنرا پذیرفته‌اند<sup>۱۶</sup>. بنابراین با توجه به چنین قدرتی، محقق است که فیلمهای  
مضریا جنبه‌های زیانبخش برخی فیلمها بخوبی قادر است تا افراد را از راه راست منحرف  
کند و بسوی ورطه انحراف سوق دهد و در اجتماع بی‌نظمی و اختلال ایجاد نماید.

کلوکسمان A. Glucksmann در همین زمینه می‌نویسد:<sup>۱۷</sup>

– ترس بزرگ آنست که سینما بجای توسعه علوم انسانی بصورتی بایسته در اجتماع، باعث  
ایجاد بیماریهای بی‌نظمی اجتماعی مانند بیماری‌های روانی، مشاجرات خانوادگی، بزهداری  
جوانان یا جنایات مختلف بشود.

محققانی که اثر سینما، تلویزیون، مطبوعات و رادیو را بر جوانان مطالعه می‌کردند  
معتقد بودند که بهمان اندازه که زاغه‌نشینی سرچشمه اختلال و آشفتگی اجتماع است سینما و  
رادیو نیز مؤثر می‌باشد.

فور J. Faure نیز در حالی که از نیرومندی و نفوذ موثر سینما صحبت می‌کند مینویسد:  
که رفتار و کرداری که ذرفیلم مشاهده می‌شود، انگیزه‌هایی که افراد را بطرف عمل می‌راند و  
کلیه وسایلی که مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز دارای قدرت تحریک فراوانی است زیرا در  
افکار تماشاگر اثرات بسیار عمیق می‌بخشد و باعث تحریک اومی‌شود بطوری که اگر موقعیتی  
ایجاب نماید، بدون شك خطرات جدی و واقعی بیار می‌آورد و بخود، افراد و اجتماع  
زیان می‌رساند.

فور معتقد است که در نزد جوانان و نامتعادلهای همیشه يك راه احتمالی بسوی بزهداری  
وجود دارد.<sup>۱۸</sup>

14- Ibid. P305

15- Revue internationale de filmologie. P73.1960- N 34

16- Ibid. P64

17- Glucksmann Ouv. cit. P77

18- Ibid. P97

مورن Morin که نظریاتش از هر جهت با فور مطابقت دارد نیز می نویسد که کلیه راه و روشهایی که در سینما مورد استفاده قرار می گیرد تماشاگر را در فیلم و در محیطی که نشان می دهد عمیقاً فرومی برد. تغییرات زمانی و مکانی، جنبشهای مختلف، تحولات لاینقطع فراوان از جهات گوناگونی او را به کلی از محیط خودش خارج می کند و به دنیای دیگر منتقل می سازد.<sup>۱۹</sup>

گفته های مورن کاملاً با حقیقت مطابقت دارد زیرا بسیار اتفاق افتاده که تماشاگر بکلی از کالبد خود خارج شده و در محیط دیگر و قالب دیگر قرار گرفته است. بهترین مثال را می توان مسابقات اتومبیل رانی ذکر کرد زیرا تماشاگری که مسابقات را با ولع هر چه تمامتر می بیند ناگهان احساس می کند که خود او فرمان رادر دست دارد و در حال فشار آوردن پدال و سبقت گرفتن است.

در این لحظه او در کالبد یکی از قهرمانان مسابقات فرورفته و از محیط و قالب خود بکلی خارج شده است. این تغییر محیط و قالب گاهی بحدی عمیق می باشد که تماشاگر فراموش می کند که در کجا و با چه کسی است و حتی ممکن است که اگر ضربه یا فشاری بدست یا پایش وارد آید بهیچ وجه احساس نکند.

یکی دیگر از اثرات سینما جلوه دادن وقایع غیر حقیقی بصورتی واقعی است زیرا به علت قدرتی که دارد بخوبی از عهده این کار برمی آید.

در همین مورد دکتر دو گریف Dr. de Greeff می نویسد که این پدیده بوسیله اسلوب ها و فنون مختلف و روشها و طرق گوناگون و همچنین بعلت توانائی در تحریک و تلقین بخوبی قادر است که يك نمایش تصنعی و غیر حقیقی را جاننشین و اقمیات نماید و در این عرضه بخوبی موفق شود.

بعقیده او سینما بسادگی و آرامی هر چه تمامتر چنان بمرضه کردن پدیده های مختلف بصورتی بی آرایش و دور از هر گونه شائبه و مطابق با حالات عاطفی افراد می پردازد و پیروزی و موفقیت و شهادت را تلقین می کند که هیچ وسیله دیگری قادر بچنین عملی نیست.<sup>۲۰</sup>

برخی از محققان بصورتی دیگر از سینما انتقاد می کنند و آنرا عامل فساد انگیزی بشمار آورند. از جمله گورف Gorphe ضمن اشاره با اثراتی که سینما دارد، مینویسد که برخی قسمت های فیلمها شدیداً بقدرت هوش و فکر لطمه می زند.

او برای اثبات این موضوع اضافه می کند که در هر فیلم برخی صحنه های گمراه کننده و فاسد وجود دارد که سرعت در اذهان و افکار جای خود را باز می نماید و در حالی که قدرت تمرکز را ضعیف می کند همیشه در ذهن باقی می ماند. این امر بوسیله دبیران و آموزگاران در نزد برخی شاگردان که بطور مرتب بسینما می رفته اند بخوبی مشاهده شده است.

19\_ Morin, «L' homme imaginaire». P111

20\_ Dr. de Greeff, «Introduction à la criminologie». P85



از طرفی برخی تصویرات که بوسیله هیاهو، صحبت و بحث و همچنین محیط در ذهن نفوذ می بخشد گاهی خطرات بزرگتر و واقعی تری دارد.

مثلا اگر تماشاگری از تعادل کامل برخوردار نباشد و برخی نقصانها در مغز او یافت شود، نفوذ این تصویرات شدیدتر و قاطع تر می باشد زیرا خود را بخاطرات او پیوند می دهد، بمواطفتش نزدیک می کند، بخواستهها و تمایلاتش مرتبط می نماید و بالاخره یکروز بدناله يك حادثه، در ذهن او دوباره جان می گیرد و زنده می شود و او را بطرف ارتکاب عملی سوق می دهد که پایان آن بهیچ وجه روشن نیست. ۲۱

نکات جالبی که در نوشتههای کین برگ بچشم میخورد اثرات سینما را بوجهی بهتر نمایان میسازد. او معتقد است که سینما غالبا بنحوی با شکوه و عالی با نشان دادن متوالی اعمال متجاوزانه و کشتارها و یا بجلوه در آوردن و با شکوه ساختن پی در پی ثروتمندان و ثرویشان، بخوبی میتواند پایداری و استقامت افراد را در برابر اعمال و قبحانه و کردارهای خشونت آمیز و سبانه ضعیف نماید. ۲۲

فور J. Faure بصورتی عامتر می نویسد که زد و خوردهای وحشیانه، مبارزات و پیکارهای خشونت آمیز، تیراندازیهای متوالی با هفت تیر و تفنگ و مسلسل، مسابقات دوچرخه سواری و اتومبیل رانی، فیلمهای وسترن و پلیسی نقشی بسیار قوی و عمیق در ذهن تماشاگر می گذارد. ۲۳

بعقیده وازن Wasen تماشاگر در سینما همیشه تعداد جنایات را می شمارد زیرا پیوسته در گفتههایش متذکر می شود که فلان و فلان جنایت در فلان و فلان زمان و محل در روی صحنه اتفاق افتاد، همانطور که خواننده برای شکسپیر چنین محاسبه ای را میکند و میگوید در هاملت هفت کشته وجود دارد. ۲۴

کودکان، و ناسالمها . . . . در برابر تلقینهای وسوسه انگیز و محرک برخی فیلمها که برخلاف اصول اخلاقی و خواستههای سالم اجتماعی ساخته شده است فاقد هرگونه قدرت مقاومت می باشند. این امر گاهی در مورد بزرگسالان سالم و هوشمند هم حتی میتوان گفت صادق است زیرا هر قدر از شخصیتی استوار، صفاتی عالی، اخلاقی قوی و تربیتی عمین برخوردار باشند و با بینش کامل و دیدی وسیع به فیلمها بنگرند و از کلیه دقایق

- 
- 21- L' influence du cinéma sur la délinquance et les questions qu' elle pose». P601
  - 22- Kinberg, «Les problèmes fondamentaux de la criminologie». P 198.
  - 23- Faure, «Influence du filme cinématographique sur l'état psychologique et biologique du spectateur». P 216
  - 24- Glucksmann, ouv. cit. P 87

افسون کارانه آنها با اطلاع باشند و محتویاتشان را جدی تلقی نمایند و تحت نفوذ قرار نگیرند باز نمی‌توان منکر این واقعیت شد که اگر روزی موقعیتی ایجاد نماید چه بسا که اثرات منحوس فیلمی که در گذشته مشاهده شده و در ذهن نقش بسته است راهنمای اعمال تبیه‌کارانه قرار گیرد و مشوق یا محرک یا هادی برخی از آنان در عملی بزه‌کارانه گردد. محققاً همه افراد در همان لحظه‌ای که فیلمی را می‌بینند میل بزه‌کاری ندارند ولی بدون شك در طول زندگی اتفاق می‌افتد که با مشکلات و معضلاتی برخورد نمایند که باعث شود این حس در نهادشان کم و بیش ایجاد و تقویت گردد. بنابراین بخاطر آوردن صحنه‌هایی از فیلمی که بیان‌کننده حال فرد باشد، احتمال زیاد می‌رود که او را بطرف آلودگی سوق دهد و بدین نحو مصونیت اخلاقی را نابود سازد و به نفوذ ناپذیرش پایان بخشد.

گر چه باید اذعان کرد که کسانی که از هوش و درایت و تعلیم و تربیت کامل برخوردارند بندرت تحت نفوذ قرار می‌گیرند ولی بهر حال این امر مانع از آن نیست که گاهی اراده آنان هم در برابر عوامل جرم‌زای بسیار قوی از میان نرود و تسلیم اعمال مجرمانه نگردند.

بهین جهت سائرند بر حسب مطالعاتی که محققان در مورد رابطه سینما و جرم بعمل آورده‌اند می‌نویسد که سینما یکی از عوامل بسیار مؤثر ایجاد جرم در نزد تقریباً ۰/۱۰ از مردان و ۰/۲۵ از زنان مورد مطالعه بوده است.<sup>۲۵</sup>

### نقش فیلم ثانویست

بر خلاف نظر محققان و جرم‌شناسانی که مصراً سینما را يك پدیده زیان‌بخشی بشمار می‌آورند و علیرغم عقیده برخی دیگر که از آن بعنوان يك عامل مفید یاد میکنند، دسته دیگری هستند که بآن نقش ثانوی داده، اثر آنرا در مرحله و مرتبه‌ای کم اهمیت‌تر قرار می‌دهند و معتقدند که سینما مستقیماً بدون یاری عوامل اصلی که بوجود آورنده رفتارهای جنائی می‌باشد فاقد آنچنان قدرتی است که تماشاگر را منحرف نماید و بارتکاب جرم وادارد.

رولاند برژه Roland Berger از جمله کسانی است که از عقیده فوق دفاع میکنند و می‌نویسد که نفوذ سینما بحدی نیست که بتنهائی توانائی آنرا داشته باشد تا افراد را بطرف اعمال بزه‌کارانه براند.

برژه می‌نویسد که جرم‌جویی و ابستگی کامل بعوامل روانی و اجتماعی مانند نقائص ارثی، بیماری عصبی، مخرومیتهای عاطفی دارد. این پدیده‌ها شرایطی را فراهم می‌آورد که بگرایشهای مخفی و نهفته حیات میبخشد

و فرد را بدینوسیله آماده ارتکاب تبهکاری مینماید . ولی سینما در میان کلیه عوامل اجتماعی نقش ثانوی دارد همانطور که رادیو ، تلویزیون ، مطبوعات و الکلیسم هم دارای چنین نقشی می باشد . بنا براین سینما به تنهایی نمی تواند اثر جرم زا داشته باشد و باعث انحراف افراد بشود .<sup>۲۶</sup>

کرسی Cressey و تراشر Trascher در یکی از حومه های شهر نیویورک ، ۱۳۵۶ کودک و ۱۰۵ بزهکار جوان را مورد سؤال قرار دادند و نتایج ذیل را بدست آوردند :<sup>۲۷</sup>

۰/۰۲۲ از بزهکاران و ۰/۰۱۴ از غیر بزهکاران ، هفته ای سه مرتبه و بیشتر به سینما می رفتند .

۰/۰۶ از بزهکاران و ۰/۰۱۶ از غیر بزهکاران ، هفته ای یکبار به سینما می رفتند . این دو محقق پس از این بررسی مدعی شده اند که نقش سینما در ایجاد بزهکاری ، اساسی نیست و عامل نیرومندی بشمار نمی آید . سینما فقط می تواند حالت قهرمانی را در نزد بیننده ایجاد کند که این حالت ممکنست بگناگستر بازی منجر شود و در نتیجه از این طریق جوانان را بارتکاب جرم وادارد .

گر چه کرسی و تراشر با ذکر مطلب فوق خواسته اند عدم تأثیر سینما را بیان کنند ولی خود باز هم معترف شده اند که سینما بر جوانان می تواند نفوذ کند ، نهایت این تأثیر را غیر مستقیم قلمداد کرده اند .<sup>۲۸</sup>

مورن نیز در حالیکه به این موضوع اشاره می کند می نویسد که بر حسب پرسشنامه ها و تحقیقاتی که صورت گرفته است ، سینما روی رفتار های اجتماعی و خواسته های جنسی افراد فقط اثر ثانوی دارد .<sup>۲۹</sup>

ژوزف joseph معتقد است که نمایش فیلمی که بتواند کودکی را آنچنان تحریک کند که دست بارتکاب جرم بزند بسیار نادر است و در واقع نمیتوان امثله زیادی برای اثبات این امر ذکر کرد .<sup>۳۰</sup>

---

26\_ Revue internationale de criminologie et de délinquance  
juvénile. No 4. 1956.

27\_ Bouzat et pinatel, ouv\_ cit. P 140

28\_ Ibid. P 141

29\_ Morin, « Le problème des effets dangereux du cinéma».  
P 227

30\_ Revue de science criminelle et de droit pénal comparé.  
P 402 — No. 2\_ 1956

## اثر سینما بر همه افراد یکسان نیست

سینما بر افراد مختلف اثرات گوناگون میگذارد و قدرت باروری و استعداد آنان را در جهتی که گرایش دارند افزایش می‌دهد و تقویت می‌کند. بعبارت دیگر نمی‌توان گفت که نفوذش بر پیر و جوان، زن و مرد، بیسواد و تحصیلکرده، متعادل و نامتعادل، شهری و روستائی، فقیر و ثروتمند، افراد حساس و غیر حساس، با هوش و کم هوش، . . . . . یکسان است. انسان‌ها دارای گرایش‌های مختلف می‌باشند و از استعداد‌های گوناگون برخوردارند بنا براین درک و برداشت آنها از صحنه‌های متنوع فیلمها بستگی کامل به حالات اخلاقی، نوع شخصیت، واکنشهای عاطفی، پدیده‌های روانی، مرتبه اجتماعی، درجه‌تعلیم و تربیت، خصوصیت برون‌گرائی یا درون‌گرائی، استعداد‌های جسمانی، گرایشهای روحی، آمادگیهای نفسانی، . . . . . آنها دارد.

يك روستائی دارای همان قوه درك نیست که شهری از آن برخوردار است. يك بیسواد آنچنان قادر بتجزیه و تحلیل نمایشها نیست که يك تحصیلکرده قادرست آنها را تعبیر و تفسیر نماید. برداشت يك انسان عادی با يك غیرمتعادل بهیچ وجه نمی‌تواند یکسان باشد. بهمان نسبت که تماشاگر از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، . . . . . در سطحی پایین‌تر باشد قابلیت نفوذ و گسترش فیلم بر صفحه ذهن و تصورات او بیشتر و موثر است. بعبارت دیگر میتوان گفت که هر قدر فضای اندیشه و فکر روان تماشاگران وسیعتر و شعور و تجارب و دانستنیهای اجتماعی و فرهنگیشان پربارتر و تسلط بردرك و کشف مفاهیم عمیقتر باشد قدرت و توانائی درك حقایق را بیشتر دارند و کمتر یا هرگز تحت نفوذ تلقینات یا توصیه‌های گمراه‌کننده قرار نمی‌گیرند، در حالی که افراد آماده یا کسانی که دارای واخوردگیهای مختلفند و عواطفی سرکوب شده و آمال و امیالی سرخورده دارند تحت نفوذ وانگیزه‌های توانای صحنه‌های مخرب و گمراه‌کننده در ورطه انحراف کامل و سقوط واقعی اخلاقی می‌افتند.

سینما بهترین انگیزه افراد آماده برای بزهکاری است. کسانی که از تعادل فکری کامل برخوردار نیستند، جوانان و کودکان که هنوز فکر و اندیشه‌شان خوب شکل و پیکره نگرفته‌است، روستائیان که از واقعیات آن چنان که باید بی‌اطلاعتند و از آموزش کامل بی‌بهره می‌باشند، . . . . . بیشتر از دیگران در معرض خطر فیلمهای منحرف‌کننده قرار دارند زیرا این افراد در برابر تحریکات، قدرت مقاومت ندارند و غریزه تقلید که یکی از عوامل اساسی گسترش جنایات و جرائم است در نزد آنها بسیار قوی می‌باشد و نقشی بس با اهمیت را بازی می‌کنند. بهمین جهت این چنین فیلمها با پرورش امیال انحرافی، خواسته‌های نادرست و با تلقینات مختلف و تحریکات پی‌درپی باعث می‌شوند تا فکری از قوه بعمل در آید و تصور و خیال جنبه عمل بخود بگیرد.

مثلاً اگر کسی درحالت دلهره و اضطراب بسربرد و راه نجات از آنرا نداند و این دلواپسی و نگرانی هر لحظه بیشتر اوراد را تازوپود خود اسیر سازد، یا نحوه عمل نقشه‌هایی را که مدرس پرورانده است نداند، یا شهامت و جسارت انجام تصمیمی را که گرفته است نداشته باشد... بمحض آنکه فیلمی را مشاهده نماید که باوضع او مطابقت کند محققاً بتقلید و پیروی خواهد پرداخت. همانطور که مطبوعات نیز دارای چنین اثر نامطلوبی می‌باشد نهایت نفوذ سینما از جهاتی عمیقتر و قویتر است.

بنابراین افراد هر قدر از نظر تجربه و آموزش و پرورش و برخورد با رویدادهای گوناگون، خام و ناآموخته و از پدیده‌های گسترده و پیچیده زندگی اجتماعی بیگانه و غیر آشنا باشند بیشتر امور غیر واقعی و جلوه‌های تصنیی برخی رویدادها را که با ذوق، سلیقه، منش، خصلت، شخصیت، ... آنان هماهنگی بیشتری دارد می‌پذیرند. تنگی فضای شعور و اندیشه و محدود بودن دانستیهای علمی، فرهنگی، اجتماعی، ... همیشه این افراد را در دام برداشتهای غلط و تصورات غیر حقیقی دچار می‌کند و پدیده‌های تصنیی و خیالی را صورت حقیقت می‌دهد و جلوه‌هایی از واقعیات قلمداد می‌نماید درحالی که تعلیم و تربیت کاملاً گسترده و پیشرفته، آشنائی بر موز اجتماعی، اطلاعات وسیع فرهنگی، ... که فضای اندیشه را از تنگی رها می‌سازد و شعور را از زندان ناآگاهیها بیرون می‌کشاند، فرآورده‌های پر بار واقعیات را کاملاً عریان جایگزین ادراکات نادرست و برداشتهای غیر واقعی می‌کند. بدین طریق افراد بنحو گسترده تری می‌توانند با حقایق زندگی رابطه برقرار نمایند و بوسیله برخی تلقینات ناشی از نمایشها اغفال نشوند و بتقلید و پیروی نپردازند.

در همین زمینه دکتر دوگریف می‌نویسد که اگر تماشاگر، فردی عادی و مخصوصاً تحصیل کرده باشد و از حس زیبا شناسی نیز برخوردار داشته باشد محققاً فیلم نمی‌تواند بر روی او تأثیر سوء و نامطلوب بگذارد. این چنین فردی از مشاهدات خود برداشتهای خوب می‌کند و با الهام گرفتن از جنبه‌های مثبت و آموزنده فیلم بردایره شناسائیها و معارف خود می‌افزاید.

اما اگر تماشاگر بسیار جوان یا فردی بیسواد باشد و یا عواطف بر او تسلط داشته باشد شدیداً تحت تأثیر مشاهدات خود قرار می‌گیرد بطوریکه خواسته و تمایلات پنهانش بسرعت بیدار می‌شود و رشدهی کند و اخلال و بی نظمی تمام ضمیر درونش را احاطه می‌نماید.<sup>۳۱</sup>

فور J. Faure نیز در همین مورد می‌نویسد که سینما به هیچ وجه قادر نیست که يك تماشاگر سالم و عادی را بطرف جرم براند و او را وادار باعمال تبهارانه بنماید.<sup>۳۲</sup>

31 - Ouv . cit , P 603

32 - Ouv . cit . p 216 .

گورف Gorphe قدری پارافراتر گذاشته و می نویسد که فیلم بفرض اینکه کنترل نشده باشد و هرچند که صحنه های جنائی فراوانش و قسمتهائی از آن که ضرب و جرح و ضربات گلوله های هفت تیرها را نشان می دهد اثرات بسیار گمراه کننده و غیر اخلاقی بر روان و افکار عمومی داشته باشد باز مطلقاً نمیتواند نتایج شومی بر افکار و روحیه سالم افراد داشته و آنان را منحرف نماید<sup>۳۳</sup>.

لبلوویسی پس از اشاره باثرات فیلمهای مختلف بر روحیه جوانان و تماشاگران و اختلالی که ممکن است در روان آنان ایجاد نماید، می نویسد باید معذالك اذعان کرد که سینما نمی تواند بعنوان يك عامل مخصوص بزهداری معرفی شود زیرا بتنهائی فاقد نیروی لازم برای ایجاد افکار جنائی است، در حالیکه اگر يك فیلم جنائی یا صحنه های از چگونگی بکار بردن روشها و فنون بزهداری که در فیلمها فراوان وجود دارد توسط فردی مشاهده شود که بوسیله برخی اختلالات بیولوژی و عوامل اجتماعی، آمادگی و استعداد تبهکاری را داشته باشد شدیداً تحت تاثیر قرار می گیرد و رفتارهای جنائی بسرعت در او بیدار می شود و او را بسوی اعمال مجرمانه می راند.

لبلوویسی نتیجه می گیرد که در این مرحله، فیلم فقط نقش اتفاقی را بازی میکند که در صورت فقدان آن، عوامل دیگر دخالت می کند و دیر یا زود فرد را بدام اعمال ضد اجتماعی می کشاند<sup>۳۴</sup>.

### تطابق فیلم با ارزشهای اجتماعی

اگر موضوع برخی فیلمها موزون با روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه ای نباشد محققاً مفاهیم و تمایز و برداشتهائی که توسط عقل و احساسات از آنها صورت می گیرد در جهتی مخالف با مصالح فردی و اجتماعی آن جامعه خواهد بود و با روشهای اصیل آن هماهنگی نخواهد داشت. بالنتیجه تضاد و اختلافات و آشفتگیهای در نظم اجتماعی پدید خواهد آمد که عامل آن فقط ناموزونی و عدم هماهنگی فیلمها با افکار و روحیات افراد و ارزشهای آن جامعه است.

محقق است که اگر اختلافات فاحش و تضادهای اجتماعی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی، وابستگیهای میان افراد را دچار اختلال نماید و آشفتگی و ناموزونی و ناهم آهنگی بر روابط موجودشان حکومت کند و حقد و کینه و حسد بر مناسباتشان حاکم باشد، اثرات فیلمها در

33 - Gorphe " l' influence du cinéma sur la délinquance

Juvenile et les questions qu' elle pose ". p 605 .

34 - Leblovici , « Cinéma et criminalité » . p 209

افراد چنین اجتماعی به مراتب شدیدتر و قابل ملاحظه‌تر خواهد بود .  
اگر فیلمی قادر بجلوه آوردن واقعیات و عریان کردن فلسفه زندگی و القای شعور و  
بینش فرهنگی و بنمود آوردن ارزشهای اخلاقی در تماشاگران نیست ، لاقول نباید آنچنان عرضه  
شود که تصنعات و خیال پردازیها رادرخشندگی دهد و بر امور غیر واقعی مهر صحنه گذارد  
و بدینوسیله باجلوه دادن نادرستیها بصورتی حقیقی باعث اغفال آن شود . اگر انگیزه‌ها و  
آرمانهای اجتماعی ، فرهنگی ، علمی مشترک بین افراد اجتماع را بطریقی صحیح استحکام  
نمی بخشد و زنجیر پیوندهای آنان و نظم و انضباط اجتماعی را استوار نمی سازد ، نباید باجلا  
دادن رویدادهای تصنعی و معتبر نشان دادن امور مغایر حسن تفاهم و زیبا نمود دادن پدیده‌های  
ضد اجتماعی که متزلزل کننده پایه‌های هم بستگی و رشته‌های ارتباط توده مردم است و تحریک  
کردن انگیزه‌ها و تمایلات خلاف اصول و موازین اخلاقی و بطور کلی بنمایش آوردن صحنه‌هایی  
که مخالف ارزشهای اجتماعی است بر شعور و اندیشه و بینش تماشاگران لطمه وارد سازد و  
آنان را در طریقی انحرافی رهنمون گردد .

بنابراین ، موضوع هر فیلم باید باوضع افراد هر اجتماع و باسنن و آداب و رسوم آن کاملا  
منطبق باشد ، درغیر این صورت نتایج و عواقبی بسیار ناگوار و نامطلوب بیارمی آورد که  
نمونه‌هایی از دستبردهای پی‌درپی بیانگها ، دزدی با کامیون و نقاب ، زد و خوردهای بامشت  
و لگد و چوب و غیره در کوچه‌ها میان بچه‌ها ، تحریک خواسته‌های جنسی در کشوری  
که محرومیت فراوانی وجود دارد و منجر شدن آنها بیرخی تجاوزات و انحرافات جنسی ، ...  
از آن زمره است .

### فیلمهای مضر و گمراه کننده

جرم شناسان معتقدند که جنبه‌های نامطلوب فیلمها دارای اثرات بسیار شومی میباشد  
بطوریکه می توان از آنها بعنوان آفتهای روانی یاد کرد .

فیلمهای زیان بخشی که باعث انحراف تماشاگران بطریقی که ذکر شد ، می شوند  
معمولا آنهایی هستند که نحوه عمل بدکاران را با جزئیات نشان می دهند ، رفتار و کردار  
تبهکارانه رادر معرض دید دیگران می گذارند ، میل به ثروتمند شدن و بدست آوردن وسایل  
لوکس را در نهادها بیدار می کنند ، روش رسیدن بتمنیات غیر اخلاقی را بیک طریق سهل وساده  
بنمایش درمی آورند ، امیال جنسی را تحریک می نمایند و افراد را بطرف تجاوزات و سوءقصد های  
اخلاقی می رانند ، شهامت و جسارت اجرای اعمال ناصواب و عملی نمودن تصمیمات مرددانه  
را تلقین می کنند ، باقلب حقایق ، افکار نادرست و غلط را توسعه می دهند ، اعمال ضد اجتماعی  
و گانگستر بازی را تشویق می نمایند و رواج تبهکاری را در نهادها میپرو رانند ، حسادت و حقد  
و بغض را رشد می دهند و کینه ورزی و انتقام جوئی را ترغیب و توصیه می کنند ، طریقه قتل و  
آدمکشی و دزدیهای مختلف را می آموزند ، فساد و تباهی و انحطاط اخلاقی را بصور پسندیده

وشایسته جلوه گر می‌سازند ، بدیها را نیکو و نیک سرشتیها را بدطینتی نشان می‌دهند ، موفقیت را در شقاوت و زشتکاری و خشونت بیان می‌کنند ، افراد را بکارهای قهرمانانه و خارق العاده که منجر بر رفتارهای بزهکارانه می‌شوند و امیدارند ، حس تقلید را در آنها بیدار می‌کنند و بطور مداوم می‌گسترانند ، بی‌بند و باری و تنبلی و ولگردی را تلقین مینمایند و بی - احساسی و سنگدلی و ستمگری را می‌ستایند ، حس ماجراجوئی را تقویت میکنند و جسارت و گستاخی را با ارزش و انمود می‌سازند ، امیال انحرافی و خواسته‌های ضداجتماعی را مطلوب و بایسته بشمار می‌آورند ، موازین اخلاقی را زیر پا می‌گذارند و کوششها و گرایشهای ناسازگاری را می‌پرورانند .

فیلمهایی که مشبع از صحنه‌های تکراری سفیر گلوله‌های تپانچه ، هفت تیر ، مسلسل ، تفنگ یا مشت‌زنی و بزبن بزبن ، ... هستند درآشفته کردن افکار و بتباهی و ادا داشتن تماشاگران بسیار موثرند . این فیلمهای خطرناک و بدآموز افراد را بجنایات راهنمایی و ترغیب می‌کنند و افکار نادرست و فاسد را در روح و روان آنان می‌آفرینند .

این نوع فیلمها مخصوصاً مسموم کننده فکر جوانانند زیرا گاهی در اخلاق آنان بطور قاطع می‌توانند نقشی اساسی ایفا نمایند . بنا بر این چنین فیلمهایی موثر ترین وسیله ضربه زنده بر میانی اخلاقی ، اصول اجتماعی ، مصالح خانواده‌ها ، صفات عالی انسانی می‌باشند و با صحنه‌های بدآموز و گمراه کننده خود ، افراد را بدسگال ، بدنهاد ، کژ طبع و کژ خو بار می‌آورند و از مسیر عادی زندگانی منحرف می‌نمایند .

### انتقال مفاهیم غلط

زبان برخی صحنه‌های فیلمها مخصوصاً در آن است که مفاهیم و تمایز غلط و گمراه کننده‌ای را بتماشاگران خود منتقل می‌کنند و ارزشها و مفاهیم واقعی اجتماعی ، فرهنگی ، علمی ... را دگرگون جلوه می‌دهند . تحمیل این مفاهیم نادرست و منحرف کننده بوسیله فیلمها یا بطریقی دیگر برداشتهای غلط و غیر واقعی تماشاگران از آنچه که دیده‌اند ، لطمه مستقیمی است که با افراد و جامعه وارد می‌شود .

یکی از صحنه‌هایی که شاید بیش از قسمتهای دیگر اثر می‌کند و نفوذش سریعتر از آنها است مربوط به جامهای پیاپی مشروباتی است که قهرمانان فیلم متوالیاً مینوشند بدون آنکه از حال طبیعی خارج شوند .

تماشاگر بخوبی می‌بیند که قهرمانان گاهی جامهای متوالی و زمانی بطریهای مشروب را بدون هیچگونه اشکالی براحتی و سهولت تمام سزمی کشند و در عین حال بخوبی خود را کنترل می‌کنند و یا آنچه را که مایل بانجامند بصورتی بایسته بیان می‌رسانند و بر کلیه مشکلات فائق می‌آیند و از همه خطرات با پیروزی کامل می‌گذرند .

گاهی قهرمانی برای آنکه بتواند بموفقیت کامل نائل شود ابتدا بمشروب پناه می‌برد



و بانوشیدن چندلیوان پی‌درپی نیروی خارق‌العاده و عزم‌راسخ رادر خود ایجاد می نماید و بدینسان خودرا آماده نبرد باموانع می‌کند و با غلبه بر مشکلات عملاً هم‌نشان می‌دهد که بوسیله این‌روش مطلوب و صحیح است که می‌تواند پیروز شود. یعنی بدین‌طریق تفهیم می‌کند که هر کس مایل بموقیت و پیروزی است باید از این‌راه اقدام نماید و آنچه را که می‌بیند بیاموزد و تبعیت و تقلید کند.

محققاً این جنبه‌های زیان‌آور فیلم‌ها و قسمت‌های شبیه‌همین صحنه‌های مشروب‌خواری از عوامل موثر انحراف افراد و اغفال آنان برای سقوط در ورطه الکلیسم است که غالباً بعواقب ناگواری که همیشه الکلیسم ایجاد می‌کند ختم می‌شود.

جنبه‌زیان‌آور دیگر فیلم‌ها که انتقال دهنده مفاهیم غلطند عادی‌جلوه دادن آدمکشی، بی‌اهمیت نمایاندن خشونت و تجاوز، ناچیز قلمداد کردن سوءقصد‌های مختلف، کلاه‌برداریها، دزدیها، راهزنی‌ها، ... می‌باشد که در واقع افراد را بقتل و دزدی و تجاوز تشویق مینمایند. اگر فیلم‌ها زنان را ناچیز جلوه دهند، تجاوزات مردان را امری عادی قلمداد کنند، انحرافات اخلاقی را بی‌اهمیت وانمود سازند، محققاً قبح‌ورزشتی اعمال بتدریج از نظر تماشاگر محو می‌شود و روحیات و افکار مردم در برابر زشتکاریها بکلی دستخوش دگرگونی می‌گردد.

## همانندی .

همانندی که خارج شدن از قالب اصلی و فروشدن در پیکره دیگری مخصوصاً قهرمان فیلم است، یکی از مهمترین آفریده‌های سینما میباشد. مورن معتقد است که میان کلیه اشکال همانندی، همانندی افراطی و شناسایی کاذب از همه مهمتر است. این دوشکل مخصوصاً در نزد طوایف قدیمی و قبیله‌ها، بچه‌ها و ناهمتعادها بسیار یافت می‌شود<sup>۳۵</sup>.

مورن بعنوان مثال می‌نویسد که ورونیک Veronique دختر چهار ساله‌اش با دیدن قهرمان فیلمی که در سینما مشاهده می‌کرد بلافاصله فریاد زد که «این ورونیک است». یعنی علیرغم سن کوچکش فوراً خودرا در قالب قهرمان فیلم دید و از محیط و پیکره خود بکلی خارج شد و یک‌همانندی افراطی ایجاد کرد.

در مورد شناسایی کاذب، مورن بفیلمی اشاره می‌کند که در سال ۱۹۵۰ در ایل بختیاری نشان داده شد. کسانی که این فیلم را که مربوط بمهاجرت ایل در سال ۱۹۲۴ بوده، میدیدند، ناگهان با سر و صدای بسیار خودرا در فیلم شناختند و بدون آنکه توجهی ببلوغ خود داشته باشند در قالب کودکی خود فرو شدند و خصوصیات کودکانه از خود نشان دادند. ۳۶

35- Morin (E) «L' homme imaginaire». P109 .

36- Ibid, P P109.

مورن می‌افزاید که نتیجه مستقیم سینما، گرایش دادن مردها بطرف يك همانندی با قهرمانان مرد و ایجاد حس همانندی زنان با هنرپیشه‌های زن است. ۲۷

گفته‌مورن يك واقعیت بزرگی را بیان می‌کند زیرا بروشنی مشاهده می‌شود که تماشاگر سعی دارد تا در قالب کسی داخل شود که از نظر جسمانی یا اخلاقی و روحی با او شباهت دارد. او نه تنها این عمل را در مورد خود انجام می‌دهد بلکه درباره دیگران نیز چنین می‌کند یعنی با در نظر گرفتن برخی مشابهات موجود، برخی از افراد را با قهرمانان مقایسه می‌نماید.

مثلاً اگر جوانی، قهرمان خوش هیكل و نیرومندی مورد توجهش قرار گیرد، ممکنست او را برادر یا پدری که از لحاظ جسمانی قویند شبیه‌کند و اگر زنی، طننازی و لوندی را در هنرپیشه‌ای ببیند احتمال دارد که خواهر یا دوستش را در قالب آنان مشاهده نماید.

برحسب پرسشنامه‌هایی که لازارسفیلد Lazarsfield در این مورد انجام داده، این نتیجه حاصل شده است که مردان، قهرمان مردها ترجیح می‌دهند و زنان، هنرپیشه زن را می‌پسندند و افراد مسن به کهنسالان توجه دارند. ۲۸

برای اثبات این موضوع کافی است که صفحات مختلف روزنامه‌ها و مجله‌ها مراجعه شود زیرا دختران متوالیاً مینویسند که «من خوشگلتر از سوفیالورنم. اگر ببینید خواهید دید که هیچکونه فرقی میان من و کلودیا کاردیناله وجود ندارد. من خوش هیكلتر از جین-مانسفیلد و رعنا تراز مارلین مونرو و زیباتر از سیلوا کوشینا می‌باشم...»

دختری بمجله‌ای نوشته بود که هر روز چهار ساعت خودش را با عکسی که از کلودیا کاردیناله دارد در گوشه آئینه‌اش قرارداده مقایسه می‌کند. این دختر اضافه کرده که «باید صراحتاً اعتراف کنم که من واقعاً از این ستاره ایتالیایی خوشگلتر و خوش‌اندامترم».

روزنامه گیهان ضمن چاپ عکس جوانی که خود را بشکل قهرمانان فیلمهای وسترن در آورده و باشلول در حال نشانه‌گیری بود، زیر عنوان «شلول بند مشهدی می‌خواهد آرتیست شود، می‌نویسد:

«روپای آرتیست بازی و هنرپیشگی، این جوان مشهدی را بکارهای عجیب و غریبی واداشته است. جبارخان که راهی بعالم سینما نیافته، باغها و کوچه‌ها را برای هفت تیر کشی و آرتیست بازی انتخاب کرده است».

جبارخان که خود را هنرمند قابلی می‌داند بارها برای کارگردانان و استعداد شناسان نامه نوشت و پارتیها تراشید و پیغام و سفارش داد که من هنرپیشه‌ام و نگذارید استعدادم هدر برود ولی بالاخره چون دوربینی بسراغش نیامد سرانجام دریافت که باید خودش دست بکار شود. لذا با خرید کفش و کلاه و بلوز و شلوار «کابوی» و دو تا هفت تیر، خود را بشکل و شمایل شلول بندهای غرب در آورد. حالا چند سال است که جبارخان در خیابانها و بیابانها و کوچه

باغهای اطراف شهر مشهد ظاهر میشود و آرتیست بازی درمی آورد ۲۹.

### تقلید

فرق تقلید با همانندی آنست که اگر بیننده‌ای برخی از اعمال و رفتار قهرمانی مورد پسندش قرار گیرد و به پیروی از او بعمل کردن همان رفتارها و اعمال بپردازد، درحقیقت دست بتقلید زده است در حالیکه اگر از قالب خود خارج و در پیکر قهرمان مورد نظر فرو شود، همانندی ایجاد کرده است.

گاهی تقلید، سرمشق قراردادن آرایش، لباس پوشیدن، راه رفتن، گفتار، ... فرد مورد نظر می‌باشد زیرا بخوبی می‌توان افراد بسیاری را دید که کلیه حرکات، رفتار، آرایش، ... هنرپیشه‌ها را تقلید می‌کنند. مثلاً زمانی، نحوه آرایش موی سر تیرون پاور مورد توجه بود و عده‌ای بتقلید از او می‌کوشیدند تا موی سر خود را بهمان صورت، شکل دهند. زمانی سیل‌های دوگلاسی مورد تقلید قرار گرفت و موقعی ریش گذاشتن یا موهای سر را انباشته کردن مورد پسند واقع شد و هنگامی لباس گشاد پوشیدن و زمانی از شاوار تنگ استفاده کردن به صورتی که فلان و فلان هنرپیشه پوشیده بودند رواج پیدا کرد.

### رابطه همانندی و تقلید با جرم

نکته قابل توجه در همانندی و تقلید، رابطه این دو پدیده با جرم می‌باشد زیرا اعم از آنکه تماشاگر در قالب قهرمان مورد علاقه فرو شود و همان اعمالی را انجام دهد که از او سر زده است و خواه آنکه برخی رفتارهای او را فقط سرمشق قرار دهد و بعملی کردن آنها بپردازد، ممکنست بعلمت عدم درک واقعیت و یا تسامح و اشتباه، مرتکب اعمالی شود که بعواقب آنچنان نافرجامی پایان یابد که یکسره بیای میز قاضی روانه گردد.

همانطور که تاکنون اشاره شده است، سینما مانند مطبوعات با جزئیات هرچه تمامتر و با آب و تاب کامل و بزرگ جلوه دادن و رنگ آمیزی، ارتکاب جنایات را بخوبی نمایش می‌دهد. سینما جنایت را عملی و انمود می‌سازد که می‌توان بسادگی مرتکب شد زیرا اجرای آنرا چنان سهل و ساده نشان می‌دهد و بحدی عادی و بی اهمیت قلمداد می‌کند که امر را کاملاً بر تماشاگر مشتبه می‌سازد و او را از واقعیات بکلی دور کرده و منحرف می‌نماید. بهمین جهت باید اذعان کرد که اگر تماشاگر واقعیت را درک نکند و رفتارهای قهرمانان دلخواه و مورد پسند را سرمشق خود قرار دهد، فساد اخلاقی به صورتی خطرناک پیشرفت می‌کند زیرا با تقلید کردن از اعمال و رفتار آنها، امکان فراوان می‌رود که حوادث بسیار

ناگواری بیار آید .

در این میان کودکان و نوجوانان بیشتر تحت تأثیر فیلمها قرار می گیرند و بیشتر در معرض تعرض اثرات ناگوارانها می باشند زیرا پیکره گیری منشهای آنان برای درک حقایق و فهم آنچه که می گذرد هنوز تکمیل نشده و قدرت قضاوتهایشان کاملاً محدود است و ساختمان اندیشه و روانشان در حال بناشدن میباشد .

کودکان ، شکننده ، حساس ، زودرنج ، تأثیرپذیر و نرمند و توانائی تجزیه و تحلیل و درکشان بسیار ضعیف است و نیروی مقاومتشان در برابر تحریکاتی که بر روی صحنه سینما مشاهده می کنند ناچیز است بهمین جهت يك تلقین کوچک می تواند قویاً الهام بخش آنان در ارتکاب اعمال ضد اجتماعی باشد .

بنا بر این کودک که گرایش تقلیدش بیشتر از دیگران است امکان انحرافش بیشتر می باشد. او آنچه را که مشاهده نماید حقیقت می پندارد و میکوشد تا در بازبهایش تقلید کند .

پره Perez می نویسد که قسمت اعظم گفتار و رفتاری که در نزد کودکان دیده می شود نتیجه تقلید است و بدبختانه آنان بدی و خوبی را بمانند هم تقلید می کنند .<sup>۴۱</sup>

مارکیزه ضمن اشاره بتماشاگران جوان می نویسد که میل افراطی و نامتعادل نسل جوان برای رفتن به سینما و دیدن فیلمهای مختلف ، باعث آفرینش حس همانندی آنان با آنچه که در روی پرده سینمایی گذرد و تمایلشان برای بدست آوردن آنچه که می بینند ، می شود ، لذا زندگانی خود را طوری بنا می نهند که با دیدنی هایشان مطابقت نماید بدون آن که بتوانند در صحنه های مختلفی که بر روی آن تأثیر می گذارد حقایق را از غیر واقعیات و رویدادهای تصنیعی و خیالی و پوچ را از حقیقت باز شناسند . آنان اعمال فلان قهرمان را که با جسارت کامل ، خود را با ماجراهای خطرناک مواجه می سازد و غالب و پیروز از کلیه خطرات و مشکلات بیرون می آید و بر همه نگرانیها ، اضطرابها و دلهره ها مسلط می شود ، مورد تقلید قرار می دهند .<sup>۴۱</sup>

در همین مورد ژازال نیز اشاره می کند که بازی کودک که به تقلید از صحنه های مختلف فیلمها صورت می گیرد گاهی منجر به ایجاد جرائم می شود . آمار نشان می دهد که برخی از کودکان در حین بازی با رفقای خود در حالی که شمشیر بازی فیلم د لاله سیاه ، را با چوب تقلید می کردند بر اثر اصابت چوب بچشمشان نابینا شده اند .<sup>۴۲</sup>

برای اثبات بیشتر این موضوع بی مناسبت نیست که بداستان دوکوک سه و پنج ساله که مادام اودت فیلیپون حکایت می کند اشاره شود .

مادام فیلیپون می نویسد که کودک پنج ساله ای با تقلید از آنچه که در فیلمی مشاهده

40\_ Lombroso, «L'homme criminel». P 105 - t. 1

41\_ Marquiset, «le crime». P 35

42\_ Chazal, « Le cinéma et la délinquance juvénile». P 221

کرده بود تیغ سورت تراشی پدر را بر میدارد و کردن برادر خردسال خود را که در خواب بود می برد. ۴۳

روژه نیز بذکر مثالی از سه جوان می پردازد که بیک راننده تاکسی حمله کرده بودند . این سه جوان عملیات قهرمان فیلمی را تقلید می کردند که چند لحظه قبل دیده بودند. ۴۴  
برای پی بردن بقدرت حس تقلید در کودکان باید اشاره شود که غالباً آنان بتقلید آنچه که بطور روزمره در معرض دیدشان قرار گیرد می پردازند و این تقلید را ابتدا از خانه و با الهام از رفتار پدر و مادر و سایر افراد خانواده آغاز میکنند . دختر بچه ای که آرایش مادر را می بیند مایل می شود بهمان نحو عمل نماید ، و پسر بچه ای که از برخی کارهای پدر خوشش می آید میل می کند آنها را انجام دهد .

در نتیجه اگر در خارج از خانه و خانواده هم موضوعی نظرشان را جلب کرد امکان فراوان می رود که بتقلید پردازند . مثلاً کودکان از حقه بازی شعبده بازان لذت می برند و مایلند که عین به عین آنچه را که دیده اند عمل کنند و همین تقلید هاست که گاه فجایع بسیار بزرگی را به وجود می آورد .

چند سال قبل دریکی از روستاهای شمال ایران ، حقه بازی باچشم بندی سر شاگرد خود را از تن جدا میکرد و مجدداً وصل می نمود .

کودک ۱۰ ساله ای که ناظر این حقه بازی بود بدون آنکه قادر بدرك واقعت باشد در مراجعت بمنزل بتقلید کارهای حقه باز می پردازد . بدین صورت که برادر سه ساله اش را بزمین میخواباند و سراورا باچاقوی آشپزخانه از تن جدا میکند ولی بعد هر قدر می کوشد تا مانند حقه باز سرا مجدداً بتن وصل نماید موفق نمیشود .

در این میان مادر وارد اطاق میشود و باجسد سر بریده فرزند کوچک روبرو میگردد ، پس از دانستن چگونگی امر از شدت عصبانیت و ناراحتی سر بریده را محکم بسر طفل ده ساله اش میکوبد که اتفاقاً باعث قتل او می شود . مادر از این منظره و مرگ دو کودک سکنه می کند و به زمین می افتد و بعد فلج میشود .

غرض از ذکر این مثال آنست که کودکان آنچه را که بنظرشان جالب بیاید مورد تقلید قرار میدهند و بدون آنکه عاقبت عملی را که انجام میدهند بدانند یا به حقایق و رموز صحنه هائی که مشاهده می نمایند آشنائی داشته باشند .

بنابر این کودکان عم از آنکه عمل يك حقه باز را خارج از سینما یاد روی پرده سینما مشاهده نمایند تقلید می کنند ، نهایت نظیر حقه بازی فوق و اعمال قهرمانانه بیشتر در سینما و در صحنه های مختلف فیلم ها بچشم می خورد که تماشاگران جوان را بتقلید و امیدارد . در صحنه های روزنامه های ایران گاهی بحوادثی بر میخوریم که فقط بخاطر تقلید از قهرمانان

فیلم‌ها بوجود آمده است. پیروی از ادی کنستانتین و جیمز باند مخصوصاً در سالهای اخیر جای کارهای قهرمانی تارزان و قهرمانان فیلمهای سریال و شمشیر بازی را گرفته است.

بارها روزنامه‌ها نوشته‌اند که دو کودک یادو جوان در اثر بازی با چوب یا بامبله به سبک فیلمهای شمشیر بازی یادو اثر بکس بازی مجروح یا معیوب شده یا مرده‌اند.

یکروز پلیس تهران چهار کودک ۹ - ۱۳ ساله را که بکمک یک نردبان طنابی قصد بالا رفتن از منزلی را داشتند توقیف می‌کند. در بازپرسی که از آنان بعمل می‌آید هر چهار نفر اعتراف می‌کنند که بهیچوجه قصد دزدی نداشته‌اند بلکه چون عملیات جیمز باندی را دوست دارند برای متبحر شدن در این امر تمرین می‌کرده‌اند.

این چهار نفر اعتراف کردند که مایلند مانند جیمز باند «آرتیست» شوند. ۴۵ گاهی همانندی، داستان‌های خنده‌آوری را پدید می‌آورد. مثلاً روزنامه اطلاعات تحت عنوان «موضوع غیرواقعی یک فیلم باعث مسمومیت جوانی شده» مینویسد که جوان ۲۳ ساله‌ای غذای خود را با لیوانی شراب می‌آمیزد و آنرا می‌خورد و شدیداً بدلدرد و تهوع دچار میشود بطوری که ناگزیر به بیمارستان میرود و بستری می‌گردد.

جوان حکایت می‌کرد که در فیلمی مشاهده کرده بود که قهرمان فیلم، لیوان شرابی را باغذایش مخلوط نمود و آنرا بالذت هرچه تمامتر خورد. بهمین جهت او هم تصمیم گرفت که از عمل قهرمان فیلم تقلید نماید و غذای خود را با شراب مخلوط کند. ۴۶ بی‌مناسبت نیست که به داستان خنده‌دارتر دیگری که پایانی ناگوار داشت نیز اشاره شود.

دختر جوانی در ناحیه‌ای از خراسان پس از مشاهده فیلم گاو بازی، مایل میشود که عمل گاو باز را مورد تقلید قرار دهد. بهمین جهت بآبدست گرفتن پارچه قرمزی بتحریک گاو که در مزعه بود می‌پردازد. نتیجه این بازی آن بود که گاو خشمناک بدختر جوان حمله کرد و شاخهای خود را در شکمش فروبرد. مثال خنده‌دار دیگر قابل ذکر، فرو شدن زنی در قالب یک شبح برای ترساندن شوهر است.

داستان بدینفرا است که زن ۲۴ ساله‌ای در غیاب شوهر، از سر تا پا خود را در ملافه‌ای می‌پیچد و عمامه‌ای بزرگی از ملافه درست می‌کند و بسر می‌گذارد تا بصورت یک شبح ترسناک درآید. سپس خود را در زیر تخت خواب مخفی میکند و در انتظار شوهر میماند.

قریب ساعت ۱۰ شب، شوهر بی‌خیال و آسوده از هر گونه دغدغه خاطر و ناآگاه از آنچه که انتظارش را میکشد سوت زنان بمنزل بر میگردد ولی با کمال تعجب زنش را نمی‌یابد و خانه را خالی می‌بیند، هر قدر زنش را صدا میزند بجوابی نائل نمیشود. لذا به تصور آنکه ممکن است زنش بخانه پدر و مادر او رفته باشد شروع بتلفن کردن میکند. در همین

هنگام که مرد سخت سرگرم صحبت است زنش درحالیکه صداهای وحشتناکی ازخود درمیاورد از زیر تختخواب خارج میشود و باوحمله می کند.

مرد که بوسیله سروصدای ناگهانی و هیولای بدشکل سخت غافلگیر میشود فریادی از وحشت وترس میکشد و گوشی تلفن را بزمین می اندازد و با بفرار می نهد. درپلهها بعلت عجله ولرزش ناشی از ترس بسیار نمی تواند خودرا کنترل کند و بزمین می خورد و معلق زنان به پائین پلهها پرتاب میشود و شدیداً مجروح میگردد.

برادرش که از پشت تلفن صدای نعره اورا شنیده بود بسرعت خودرا بمنزل اومیرساند و اورا به بیمارسان میبرد و بستری میکند. ۴۷

درهمین مورد گرچه مثالهای بسیاری وجود دارد ولی ذکر اتفاق ذیل نیز بی مناسبت نمی باشد،

روزنامه اطلاعات زیر عنوان « دراکولای اصفهانی مادر خودرا بیهوش کرده» مینویسد: « يك پسر بچه خردسال اصفهانی هنگام بازی با برادر خود باكشیدن يك لنگه جوراب زنانه بصورت خویش و گذاشتن ماسك دراکولا، موجب شد كه مادر حامله اش از وحشت غش کند.

جمشید نهساله با برادر خویش جهانگیر یازده ساله، دیروز سرگرم قایم موشك بازی بود و برای اینکه برادر خودرا بترساند، يك لنگه جوراب مادرش را بسرکشید و ماسکی را كه شبیه دراکولا ساخته شده بود بصورت گذاشت و در آستانه پستوی یکی از اطاقها بانتظار برادر و همبازی خویش ایستاد.

مادر این دو برادر بصدای فریاد جهانگیر كه ترسیده بود از خواب پرید و در اولین لحظه بیداری باصورت وحشتناك پسر خردسالش روبرو شد و در نتیجه فریادی از وحشت كشید و غش کرد.

مادر این دو پسر بچه كه شهلاقبادی نام دارد وسیله كسانش بدرمانگاه انتقال یافت و بستری شد و پزشكان اظهار نظر كردند كه وی بر اثر « شوك » وارده در معرض خطر سقط جنین قرار دارد. ۴۸

### سینما مدرسه دزدی

اگر برخی واقعا معترض باشند كه سینما عامل موثری در برانگیختن افراد مخصوصاً جوانان در ارتكاب جرائم مختلف نیست معذك هیچكس نمیتواند منكر این حقیقت شود كه با آموختن فنون واسلوب دزدی بتماشاگران بالاخص بزهاران حرفه ای، تشكيل دهنده يك مدرسه دزدی است.

ماکوبی E. Maccoby در همین زمینه در مورد کودکان مینویسد که بمحض آنکه کودک صحنه‌ای را مشاهده نماید بلافاصله از آن درس میگیرد و بداستنیهای خود در دست زدن بجرائم احتمالی می‌افزاید.<sup>۴۹</sup>

گفته ماکوبی يك واقیبت بزرگ را بیان میکند زیرا کودک مخصوصاً آنانی که آمادگی ارتکاب جرائم را دارند بیشتر در معرض خطر انحراف قرار میگیرند و اثرات صحنه های مختلف دزدی بیشتر در آنان مؤثر واقع می‌شود.

مشاهده فیلمهای پلیسی، کانگستر بازی و باندهای مختلف، بهترین راهنمای کودکان و جوانان ولگرد و حتی بزرگسالان است. فیلمهایی که نشان می‌دهد چگونه میتوان يك گاو صندوق را باز کرد، يك قفل را گشود، از يك دیوار بالا رفت، از يك پنجره وارد شد، يك شیشه را بدون سروصدا شکست. يك دیوار را سوراخ نمود، یا اینکه احتیاطهای لازم را چگونه باید رعایت کرد، چه‌سان می‌توان اسلوهیهای ضروری را بادقت هرچه تمامتر بکاربرد تا موفق شد و بالاخره بچه نحو می‌توان فرار کرد، بهترین کلاس درس بزهکاری است که اثرات منحوس و شومش دیر یا زود نمایان میشود. زیرا این صحنهها بهترین عامل آموزنده طریقه راهزنی و سرقتهای گوناگون میباشد که بسادگی تماشاگران آماده را بسوی دزدی و هتك حرز میراند.

بدون هیچگونه شك، بیشتر راهزنان، جیب‌برها و دزدان مختلف، سرقتهای خود را با الهام از نحوه عمل و روشی که در فیلمها مشاهده می‌کنند مرتکب میشوند. بهمین جهت جرم شناسان بفنونی که در فیلمها برای دزدی آموخته میشود شدیداً حمله کرده‌اند.

فور در حالیکه فیلمهای پلیسی راسخت مورد انتقاد قرار میدهند می‌نویسد که اینگونه فیلمها بخوبی میتوانند بهترین درس دزدی برای تماشاگران باشد.<sup>۵۰</sup>

پولن Poulain در همین مورد اشاره میکند که فیلمهای پلیسی، آفریننده راهزنان و کانگسترهای آینده است.<sup>۵۱</sup>

لوکار بنوبه خود در حالیکه روی همین موضوع تکیه میکند می‌نویسد که عده زیادی از بدکاران توانسته‌اند بوسیله سینما بهترین روشهای سرقت را فرا بگیرند. بارها پلیس در موارد مختلف بسیار باین واقیبت برخورد نموده که درست پس از گذشت يك هفته از نمایش فیلمی، روشهای بکاربرده شده تعرض و دزدی بطور کامل مورد تقلید تبهکاران قرار گرفته‌است.<sup>۵۲</sup> شازال نیز برای اثبات واقیبت فوق می‌نویسد که هیچ کس نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که سینما بخوبی قادرست تا بچوانان برخی فنون جنائی را بیاموزد. تماشاگر از سینما

49- Glucksmann. Ouv cit. P65

50- Faure. Ouv. cit. P26.

51- Morin. Ouv. cit. P7

52- Ibid. P8



بخوبی فرامی‌گیرد که میبایست دستکش بدمت کرد ، تا اثرات انگشت بجائی باقی نماند و همین پدیده می‌آموزد که چگونه باید سیمهای تلفن را قطع کرد تا باسانی و سادگی نقشه‌مورد نظر را عملی نمود . همین جرم شناس بشرح حال جوانی می‌پردازد که برای غارت اموال يك منزل چگونه ابتدا سیمهای تلفن را قطع کرد .

جوان در بازپرسی اظهار داشته بود که نحوه عمل را از سینما آموخته و تقلید کرده است ۵۳ .

پرونده‌های موجود در دادگاههای پاریس و حومه بخوبی بیان‌کننده دزدیهای فراوانی است که توسط خردسالانی صورت گرفته است که تحت تاثیر فیلمهای مختلف مرتکب این نوع جرم شده‌اند ۵۴ .

مادام اودت فیلیپون می‌نویسد که پنج کودک متعلق بخانواده های متمکن برای دزدی شیشه‌های مشروب داخل يك سالن کازینو می‌شوند ، نتیجه بازپرسی که بوسیله پرسشنامه از پنج خانواده کودکان مجرم صورت گرفت این بود که والدین سینما را تنها عامل اصلی رفتارهای جنائی فرزندان خود بشمار آوردند ۵۵ .

نگاهی بسرقتهای سالهای اخیر در ایران نیز بخوبی نشان می‌دهد که سینما تاچه حدود در افکار و اعمال جوانان و سایرین اثرات نامطلوب و منحوس داشته است . علت دستبرد بیانکها و مغازه‌ها بانقلاب و هفت تیر و دزدی با کامیون و سرقتهای جسورانه بسیار دیگری را که اتفاق افتاده است باید بطور یقین در سینما جستجو کرد . فیلمهای پلیسی و . . . . بهترین الهام - بخش مجرمان در ارتکاب جرائم علیه اموال است زیرا نحوه عمل و فنون سرقت را بصورتی بسیار ساده بتماشاگران می‌آموزد .

### سینما مدرسه آدم‌کشی

یکی از قسمتهای بسیار زیان بخش فیلمها که شدیداً مورد اعتراض و انتقاد قرار دارد صحنه‌های جنایات مختلفی است که بصورتی بسیار عادی مورد نمایش قرار می‌گیرد .

اینگونه صحنه‌ها باعث بیداری يك حس کنجکاوی خطرناک در نزد تماشاگران بالاخص کسانی که از نظر اخلاقی و روحی دچار عدم تعادل می‌باشند می‌شود زیرا این افراد بعلم فقدان توانائی لازم برای مقاومت در برابر تحریکات یادک حقیقت از غیر واقعیات و پی بردن بتصنیی بودن موضوعات و رویدادهای فیلم ، بیشتر در معرض خطر انحراف قرار دارند .

وجود صحنه‌های گوناگون قتل و کشتار ، ضرب و جرح و تجاوز و خشونت ، بزرگترین

53- Chazal. Ouv. cit. p220

54- Roger. Ouv. cit. p44

55- Phitippon. Ouv. cit. P278.

لطامات دابروان چنین تماشاگرانی میزند .  
مشاهده اینگونه صحنهها زمانی بیشتر تماشاگر را بطرف انحراف سوق می دهد که فنون آدمکشی را بیاموزد زیرا در این صورت برای افراد آماده ، يك مدرسه واقعی آموزش نحوه دست زدن بآدمکشی است .

یکی دیگر از اثرات منحوس چنین صحنههایی تلقین آدمکشی می باشد . بعبارت دیگر فیلمهایی که جنایات بزرگ و خونریزیها و قتلها را نشان می دهد در واقع از يك طرف بتماشاگر تلقین می کند که بطرف خشونت گرایش پیدا نماید و از سوی دیگر نحوه خوب عمل کردن و فن ارتکاب را قرا بگیرد .

اسلوور M. G. Sloover معتقد است که توصیف کردن و شرح دادن جنایت، آموختن جنایت است .<sup>۶۵</sup>

همانطور که اسلوور می گوید توصیفات که در اطراف يك جنایت صورت بگیرد بهترین درسی است که با افراد برای ارتکاب جنایات مختلف داده میشود . در این میان سینما که یکی از بزرگترین توصیف کنندگان جنایت است نقش بس بزرگی در انحراف تماشاگران ایفا می کند بهمین دلیل آنرا میتوان يك مدرسه جنایت نام داد که گاهی بوسیله تلقین و تحریک وزمانی بوسیله آموزش و نحوه عمل و ریزه کاریهای جنایت ارتکابی ، تماشاگران را بطرف قتل و خونریزی سوق می دهد یا این گرایش را ایجاد می نماید .

دال E. Dal نیز که با عقیده اسلوور موافق است بنوبه خود اشاره میکند که اگر شرح این سوء قصدهای مختلف و این عملیات گوناگون جنائی يك مدرسه واقعی جنایت تشبیه نشود واقماً باچه چیز می توان مقایسه کرد ؟ این واقعیت اگر در مورد کلیه تماشاگران صادق نباشد لااقل می توان اعتراف کرد که برخی از دختران و پسران را دربر می گیرد .<sup>۵۷</sup>

روژه بابدینی هرچه تمامتر حتی علت برخی اعمال جنائی را بسینما نسبت می دهد و می نویسد که این پدیده غالباً آفریننده فلان و فلان تعرض و خشونت است . او بعنوان مثال ذکر می کند که دوجوان تحت تاثیر و تلقین فیلمی که شب قبل دیده بودند والدین خود را شدیداً مورد حمله قرار دادند و مضروب نمودند .<sup>۵۸</sup>

مادام اودت فیلیبون نیز در حالیکه این مشکل بزرگ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل خود قرار می دهد می نویسد که پسر بچه ۱۰ ساله ای در موقع خروج از سینما ، رومبادر میکند و می گوید :

– بسیار خوب، حالا بخوبی می دانم که چگونه می توان تراکشت .<sup>۵۹</sup>  
برای اثبات بیشتر واقعیت فوق ، ذکر چند مثال دیگری مناسب نیست .

56\_ Gaviarez, Ouv. cit. P. 23.

57\_ Glucksmann. Ouv. cit P82.

58\_ Roger. Ouv. cit. P45

59\_ Philippon. Ouv. cit. P276.

پسر بچه ۱۵ ساله‌ای که در قاهره یکی از والدین خود را شدیداً مضروب کرده و حال وخیمی برای او ایجاد نموده بود به پلیس اعتراف میکند که این عمل را بعلت خشم و عصبانیت یا نفرت و کینه یا دزدی انجام نداده بلکه فقط خواسته است صحنه‌ای را که در فیلم مشاهده نموده است عمل نماید . ۶۰

مادام اودت فیلیپون مینوسد که دو پسر بچه ۱۲ - ۱۳ ساله پس از مشاهده فیلمی جنکی، با یکدیگر شروع بیبازی میکنند . یکی از آن دو تفنگ پدر خود را بر میدارد و سینه رفیقش را هدف قرار می‌دهد و او را می‌کشد سپس او را دفن می‌کند و با آرامش خاطر کامل بمنزل بر می‌گردد . پس از کشف جنایت و پی بردن به هویت قاتل ، همه مردم از این امر متعجب می‌شوند زیرا قاتل پسری بی نهایت آرام ، فرمانبردار ، فعال و دوست داشتنی بود و پدر و مادرش همیشه او را مورد تعریف و تمجید قرار می‌دادند بهمین جهت هیچکس نمیتوانست بپذیرد که این جنایت بوسیله او صورت گرفته است . ۶۱

نویسنده فوق بذکر مثال دیگری از پسر بچه ۱۶ ساله‌ای نیز می‌پردازد که با الهام گرفتن از فیلمی، چماقی از شن و پارچه میسازد و یک راننده تاکسی را مورد حمله قرار می‌دهد و او را شدیداً مجروح می‌کند . ۶۲

اوبری Aubry در کتاب خود موسوم به دواگیری آدمکشی، مینوسد که مستخدم جوانی که بیش از ۱۰ سال نداشت تحت تأثیر فیلمی که مشاهده کرده بود اقدام به مسموم کردن کلیه افراد خانواده ارباب خود مینماید . ۶۳

ذکر چند مثال از وقایعی که در ایران تحت تأثیر سینما رخ داده است نیز بی مناسبت نمی‌باشد .

روزنامه اطلاعات مینوسد که پسر جوانی که در داروخانه‌ای کار می‌کرد دختر جوانی را ضرب گلوله از پای در می‌آورد . این پسر جوان ضمن اعتراف بقتل اظهار می‌دارد که با مقتول دوست بوده و با او بی نهایت علاقه داشته است ولی روز قبل از حادثه ، دختر باو سردی نشان داده و او را ترک کرده است . این عمل بطوری باعث ناراحتی او شده که تصمیم گرفته است دختر را بقتل برساند .

موضوع قابل توجه آن است که قاتل ، انگیزه قتل را بدین نحو شرح میدهد که بعلت علاقه و دلبستگی شدیدی که به فیلمهای وسترن داشته، همیشه می‌کوشیده است تا تمام اینگونه فیلمها را مشاهده نماید . روزیکه دختر او را ترک می‌کند شدیداً عصبانی میشود و تحت تأثیر این فیلمها که طریقه آدمکشی را باو آموخته بود بدون آنکه تردیدی بخود راه دهد بتهییه

60\_ kamel' «La jeunesse délinquante». P58

61\_ Philippon. Ouv. Cit. p276.

62\_ Ibid. P276.

63\_ Junosza — Zdrojenwski. Ouv. Cit. p240.

هفت تیر میبردازد و یکسر بسراغ دختر میرود و او را میکشد. ۶۴  
مثالهای فوق ، شاهدهای قوی می باشد که بخوبی اثر سینما را بر اعمال جنایتکارانه  
نشان میدهد .

نکته مهم آن است که گاهی فیلم موضوعی را بنمایش میآورد که از هر جهت با وضع  
تماشاگر مطابقت می کند . در این مرحله محققاً نقش فیلم بسیار خطرناک است زیرا قریب  
بیستین ، تماشاگر را بسوی بزهکاری سوق می دهد . مثلاً افرادی که از وضع زندگانی خود  
رضایت ندارند یا ناراحتی مختلفی از نظر خانوادگی ، عاطفی ، شغلی ، عشقی و غیره برایشان  
بوجود آمده ، یا اختلافاتی باعث رنجش آنها شده ، ..... اگر فیلمی را مشاهده نمایند  
که بیان کننده وضع آنان باشد و راه حل را نیز نشان بدهد ، احتمال فراوان می رود که  
آنها را تحت تأثیر قرار دهد و بهمان صورتی که می آموزد وادار بعمل کند .  
قتل دختر جوان بدست شاگرد داروخانه که در فوق بان اشاره شد می تواند يك مثال  
زنده از این واقعیت باشد .

در همین زمینه دکتر دوگریف می نویسد که چنین فیلمهایی مخصوصاً خطرات بسیار  
بزرگی برای جوانان ایجاد میکند ولی در هر حال هر فرد بالنی هم که دچار مشکلات مشابهی  
باشد که در داستان فیلم بچشمش می خورد . سعی خواهد کرد تا بهمان صورتیکه قهرمان فیلم  
عمل مینماید اقدام کند . ۶۵

همانطور که در صفحات پیشین اشاره شد برخی از محققان معتقدند که پایان فیلمها  
همیشه نتایج اخلاقی دارد و باعث هدایت کامل تماشاگران براه راست میشود . گرچه این امر  
مورد اعتراض بیشتر جرم شناسان است زیرا نظر دارند که چند متر نتیجه اخلاقی پایان  
فیلم نمی تواند تأثیر کیلومترها صحنه های زیان بخش را نابود سازد ، ولی ضمناً باید اضافه  
نمود که علیرغم نظر دسته اول کلیه فیلمها نه تنها دارای پایانی اخلاقی و هدایت کننده نمیشد  
بلکه گاهی بصورتی بسیار گمراه کننده تمام میشود بطوریکه تماشاگر تنها نتیجه ای را که  
میتواند بدست آورد ، آموختن درس غارتگری ، چپاول ، قتل و آدمکشی است .

بعنوان مثال میتوان فیلم « استخر » را که « آلن دلون » قهرمان آن بود ذکر کرد .  
در این فیلم آلن دلون رقیب خود را بوضع وحشتناکی در استخر خفه میکند و کلیه  
اثراتی را که ممکن بود بگرفتاریش کمک کند از میان می برد و تا آخر فیلم پلیس را بتمسخر  
می گیرد و ریشخند می کند و بالاخره بدون آنکه قاتل که آزادانه ودور از هر گونه تشویش  
خیال و ناراحتی خاطر به خوش گذرانی یا معشوقه ادامه می دهد گرفتار شود فیلم پایان  
می یابد .

درسی که این فیلم بتماشاگران می دهد آن است که رقیب را میتوان نابود کرد و معشوقه

را از دست او نجات داد و بخوبی و خوشی از چنگ پلیس و قانون گریخت و بزندگی آرام و دور از هرگونه دغدغه خاطر از قتل ارتكابی ادامه داد ، ضمن آنكه بخوبی طریقه آدمكشی و رعایت احتیاطهای لازم را نیز میآموزد .  
شکی نیست که چنین فیلمی جز يك مکتب جنایت نام دیگری ندارد .

### سینما مدرسه انحرافات اخلاقی

یکی از موضوعات قابل اذعان آن است که سینماهیچگاه و بالاخص درسالهای اخیراز نشان دادن صحنه‌های جنسی که بیشتر اوقات توأم باجزئیات کامل می‌باشد، خودداری نوزدیده است . کارگردانها و صاحبان صنایع ، عرضه کردن صحنه‌های جنسی را یکی از طرق اساسی جلب نظر تماشاگر می‌دانند . بهمین جهت روز بروز بیشتر بنمایش دادن جزئیات توجه می‌کنند .

لودوگا J. M. Lo Duca می‌نویسد که فیلم حتی در مواردی که باید واقعاً غیرجنسی و دوراز هرگونه صحنه‌های محرك باشد باز بطور فراوان می‌توان در آن قطعه‌هایی یافت که به هیچ وجه رعایت این امر نشده است . مثلاً ژاندارك و فیلمهایی نظیر آن که مطلقاً نباید نظر تماشاگر را بجنبه‌های جنسی جلب نماید طوری ساخته شده که این موضوع اصلاً مراعات نشده است .

مثلاً در فیلم ژاندارك ، هنرپیشه‌ای که این نقش را بعهده دارد پستان بندش را آنچنان بسته که صورتی بسیار تحريك آمیز سینمه‌هایش برجسته و نمایان میباشد . ۶۶  
باتوجه باین امر کاملاً روشن می‌شود که «فیلم وسکس» کاملاً بیکدیگر مرتبط است و هیچ نویسنده ، کارگردان و تهیه کننده‌ای از نشان دادن «سکس» در فیلم صرف نظر نمی‌کند .

فیلمهایی که درسالهای اخیر بروی پرده سینماها بنمایش درآمده ، رعایت هیچ امری را در مسائل جنسی نکرده و حتی خصوصی ترین مراحل روابط را کاملاً بی پرده نشان داده است .

صحنه‌هایی که زن و مرد بیکدیگر را بسختی و بتنگی در بقل میگیرند و سرو صورت و مخصوصاً لبهای هم را بصورتی شهوت انگیز ، محرك و تهییج کننده میبوسند و یا مرد تمام بدن زن را دست میکشد و مورد نوازش قرار میدهد و از سر تا پا درحالی که غرق در میل و شهوت است بوسه باران میکند یا بتدریج لباس زن را از تنش خارج مینماید و ارگان‌های او را لخت بمعرض نمایش درمی آورد و بعد تنك در آغوش می‌گیرد و بروی تخت خواب می‌غلطانند.....  
تا اعماق روح و روان تماشاگران نفوذ میکند و هرگونه قدرت و اراده را از آنان سلب مینماید.

این گونه صحنه‌ها بزرگترین عامل انحرافات افراد بالاخص کسانی میباشد که درمحرومیت جنسی بسر میبرند وامکان برآوردن خواسته‌های طبیعی خود را ندارند .

لودوکا مینویسد که در اینگونه فیلمها که عامداً و عالماً چنین صحنه‌هایی ساخته میشود تا غرایز وخواسته‌های جنسی تماشاگران را تحریک نماید ، دهانهائی که برای بوسیدن باز میشوند مانند کرکسهای گرسنه‌ای هستند که طعمه‌ای را محکم بمنقار بگیرند و رها نکنند . زن ارگانه‌ای خود را باکمال میل دراختیار مرد میگذارد و مرد تا اجرای خصوصی ترین مرحله که جز درخلوت صورت نمیگیرد، پیش میرود . اینگونه صحنه‌ها بزرگترین خطرات را برای تماشاگران مخصوصاً کودکان ونوجوانان دارد . ۶۷

گاهی برخی فیلمهاگامی فراتر میگذارند واز مرحله بوس وکنار و معاشقه درمیگذرند، یعنی اطاق خواب زن و مردی را نشان می‌دهند که هریک به آرامی لباسهای خود را درمی‌آورند و برختخواب میروند و سپس فیلم آنچه را که در رختخواب میگذرد بصورتی وقیحانه و باجزئی ترین حرکات بنمایش درمی‌آورد .

فرد مینویسد که نمایش افتادن بدن مرد بروی زن بصورتی که در حالت عادی صورت میگیرد مستقیماً بر روح و روان تماشاگر اثر میگذارد و تا اعماق مغز او نفوذ میکند و باعث واکنشهای شدید میشود . ۶۸

بنوان مثال میتوان نامه جوانی را بمجله اطلاعات جوانان ذکر کرد که از پدرش شکایت میکند که علیرغم داشتن هفت فرزند و بیش از نیم قرن عمر، باز شدیداً بفیلمهای جنسی علاقمند است وهرشب باعشق هنرپیشه‌ها میخوابد و صبحها با عشق آنها از خواب بیدار می‌شود . ۶۹

زمانی که در اثر مشاهده فیلمهای جنسی ، مردی متأهل و معیل و مسن چنین گرایش بیابد و خواسته‌ها و امیالش تا این حد زیاد باشد، محققاً اینگونه فیلمها حس جنسی را در نزد کودکان ونوجوانان بطور زودرس بیدار میکند وجوانان ومردان مجرد را بسوی تجاوزات جنسی وانحرافات گوناگون میراند .

دکتر مارتی Dr Marty مینویسد که هیچ روانشناس ومحققى جدی نمیتواند منکر این حقیقت شود که سینما بصورتی که وجود دارد تب شدید جنسی را بطور وحشتناکی در نسل جوان پدید می‌آورد و در افکار آنان آن چنان اغتشاشی ایجاد میکند که باعث نابودی تمام نیروی آنان میشود . ۷۰

67- Ibid. P. 186.

68- Faure. Ouv. cit. P217.

۶۹ - اطلاعات جوانان - ص ۳ شماره ۲۵-۱۳۴۵

70- Roger, «Le cinéma et l'enfant». P20

هنگامی که تماشاگر اعمال جنسی و حرکات مختلف مرد و زن را می بیند و بدن لخت زن یا ارگانهای عریان شهوت انگیزش را که مرد وحشیانه در بز میگیرد مشاهده میکند، محققاً تحت تأثیر واقع میشود و شدیداً تحریک شده میل جنسیتش بغلیان درمی آید بطوریکه برای ارضاء آن ممکن است بهر عملی ولو بتجاوز بازور و عنف و حتی زنا با محارم دست بزند زیرا چنین فیلمهایی کلیه ارزشهای اخلاقی را بنا بر بودی میکشاند و بدینوسیله بزرگترین سلاح فرد را از کفش میگیرد و او را بسوی انحراف و تجاوز می راند .

لودوکا ضمن حمله بقیلیمهای جنسی مینویسد که مناظر مختلف جنسی که در فیلمها به نمایش در می آید باعث میشود که هر تماشاگری بر حسب ذوق ، انتخاب ، ظرفیت ، خواسته و میل خود بقسمتی جلب شده سراپا در آن فرو بشود .

برای اثبات این امر و تحریکات روانی و حتی جسمانی، که در تماشاگران بوجود می آید کافی است که بمردمك چشم آنان دقت شود . زیرا بخوبی مشاهده میشود که چگونه تمام وجودشان در صحنه مورد نظر فرو شده است .

لودوکا می افزاید که گرچه برای تماشاگران که از طبقات مختلف: زن ، درد، جوان، مسن.... تشکیل میشوند از زمان جوانی تا مرحله پیری درجه وحد تحریکی که فیلم ایجاد میکند متفاوت است ولی در اصل یکی است زیرا کم یا بیش بهر حال همه را تحت تأثیر قرار می دهد. ۲۱

در سالهای اخیر، قسمت اعظم فیلمها مربوط به مسائل جنسی ، عشقبازیهای بی انتها، خم شدن بدنها بروی یکدیگر، دستمالیها ..... بوده است . یعنی در واقع فیلمی نیست که دارای صحنه های محرک جنسی نباشد .

گاهی برخی از آنها گامهایی فراتر می گذارند و کلیه عملیات جنسی را نشان می دهند. مثلاً فیلمهایی بنام «بار بارالا» و «سرخ و سیاه» (با اثر اسکندال اشتباه نشود) حتی از نشان دادن کوچکترین جزئیات هم خودداری نکرده اند .

برخی فیلمها عملاً افراد را بسوی انحرافات جنسی می کشانند و انحطاط اخلاقی ایجاد می کنند، زیرا با نمایش برخی انحرافات چنین میلی را شدیداً در تماشاگران بوجود می آورند. مثلاً فیلمهایی که میل بهم جنسی را تلقین و ترغیب میکنند نمونه ای از آنهاست .

برخی فیلمهای دیگر بانیکو جلوه دادن بعضی اعمال بکلی ارزشهای اخلاقی را در نزد تماشاگران از بین می برند و زشتی و قبیح عملی را که حتی ممکن است قبل از مشاهده فیلم ، قادر بمسور آن هم نبودند نابود می سازند. مثلاً فیلمی بنام «لا کوره» ۲۲ بوضوح تلقین میکند

71- Lo Duca. Ouv. Cit . P186

72- La curé

که زنای بانامادری امری عادی است زیرا تمام داستان در اطراف پسری میچرخد که نامادری عاشق اوست و پسر هم با او علاقه دارد . بهمین جهت از زنا کردن خود داری نمی‌کنند . جالب آن است که این فیلم کلیه عملیات نزدیکی آن‌دورا از طریق يك آینه مقعر نشان میدهد . فیلم دیگری بنام د و خدا زن را آفریده ، نیز نزدیکی بین زن برادر با برادر شوهر را بنمایش در می‌آورد و امری بسیار عادی جلوه گر می‌سازد .

نمونه چنین فیلمهای زیانبخشی که اثرات نامطلوبشان کاملاً روشن است روز بروز فزونیتر میشود و فساد و تباهی اخلاقی را هر لحظه بیشتر افزایش و گسترش میدهد .





## منابع

- 1\_ Bouzat et Pinatel, «Traité de droit pénal et de criminologie». Paris. Dalloz. 1970.
- 2\_ Caillois (R), «Le cinéma, le meurtre et la tragédie». Revue internationale de filmologie. Tome II. S. D. Deuxième année. No 5.
- 3\_ Chazal (J), «Le cinéma et la délinquance juvénile». Revue de Science criminelle et de droit pénal comparé. 1957. No.1.
- 4\_ Faure (J), «Influence du film cinématographique sur l'état psychologique du spectateur». Revue de Science criminelle et de Droit pénal comparé. 1957. No 1.
- 5\_ Ganiazre (G), «Du danger du cinématographique au point de vue de la démoralisation». 1926. Paris. Mémoire. Institut de criminologie.
- 6\_ Glucksmann (A); «Rapport sur les recherches concernant les effets sur la jeunesse des scènes de violence au cinéma et à la télévision». Communications: publié par le centre d'Etude des commuications de masse de l' Ecole pratique des Hautes Etudes. No 7. 1966. Paris.
- 7\_ Gorphe (F), «L' influence du cinéma sur la délinquance et les questions qu' elle pose». Revue de Science criminelle

et de Droit pénal comparé. No 3. Juillet — Septembre.  
Nouvelle série. 1957.

8. Greeff (E), « Introduction à la criminologie ». Deuxième édition. Premier volume. 1947. Joseph—Vendenplas.
9. Junosza—Zdrojenwski, « Le crime et la presse ». Paris 1943.
10. Kamel (M), « La jeunesse délinquante—étiologie et remèdes ». 1956. Le Caire. Université d' Egypte.
11. Kinberg (O), « Les problèmes fondamentaux de la criminologie ». Paris. 1960. Cujas.
12. Laumet (Y), « La censure cinématographique ». Thèse : Faculté de Droit. Paris. 1960.
13. Léauté (J), « Criminologie et science pénitentiaire ». Paris. 1972. P. U. F.
14. Lo Duca (J. M), « L' érotisme au cinéma ». Revue internationale de filmologie. No 18 - 19. Juillet - décembre. 1954.
15. Leblovici (S), « Cinéma et criminalité ». Revue internationale de filmologie. 1953. No. 14 - 15.
16. Lombroso (C). « Les crimes, causes et remèdes ». Paris. 1899. Schleincher Frères.
17. Marquiset (J), « Le crime ». P. U. F. 1964. Paris.
18. Mergen (A), « Cinéma et hygiène mentale ». Revue internationale de filmologie. No. 14—15 1953.
19. Morin, « L' homme imaginaire ». Les éditions de Minuit. Paris. 1956.
20. Id, « Le problème des effets dangereux du cinéma ». Revue internationale de filmologie. No 14—15. 1953.
21. Philippon (O), « La jeunesse coupable vous accuse ». Paris. 1950. Sirey.
22. Revue internationale de criminologie et de délinquance juvénile. No 4. 1956.

- 23- Revue de Sciece criminelle et de droit pénal comparé.  
No. 2. 1956.
- 24- Revue internationale de filmologie, « Le cinéma pour les  
enfants ». No 32-33. Tome X. Janvier-juin. 1960.
- 25- Roger (N), « Le cinéma et l'enfant ». Mémoire : Institut  
de criminologie. Paris. 1950.
- 26- Sutherland ( E. H ), « Principes de criminologie ». Cujas.  
Paris. 1966.
- 27- Société des Nations, « Le cinéma récréatif et la jeunesse».  
Commission consultative des questions sociales . No.  
C 256. M 152. Genève; 1938. IV.

